

در صفحات دیگر این شماره:

- حزب توده مأمّن ساواکها، تاجرها، مقاطعه کاران، زمینداران و...! ۱۴ صفحه
- باز هم درباره سازمان دست راستی امل و پیوند رژیم ایران با آن ۱۶ صفحه
- حمایت از مجاهدین خلق وظیفه نیروهای انقلابی است ۱۶ صفحه
- بازسازی طرح امپریالیستی پایگاه کنارک... ۱۶ صفحه
- رادیوهای وابسته به امپریالیسم و جنبش خلق ۸ صفحه

دانشگاه این سنکر آزادی خارچشم چه کسانی است که اینچنین بر آن قفل تعطیل زده اند؟

تعطیل دانشگاه این کانون آکا هی و سرکارها و سادل نظریه های ویداری فکری سودجگاری است؟ چرا این سنکر آزادی این طلب همیشه بر طبق میا رزه مردم ما بویزه درد دوره قیام را تعطیل کرده اند؟ این دستهای سیا چه کسانی است که بر دره های دانشگاه قفل و زنجیر زده است؟

آنها کسانی هستند که از دود بندهای سوهی، که سینه محبوس میا رزه طبقه ای ملی مردم ما غایب است؟ امیربا لسم و هیئت حاکمه ارتجاعی است تحت دره های ویدان حاکمیت خود را در خطر می بیند و لذا دانشگاه را بدینجهت که میخوانند جلوه های از این مبارز را در اسکال ایدئولوژیک و سیاسی اش به نمایش گذارد. بقیه در صفحه ۴

جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی

قدرت حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میداند. این امر مستکدر عمل از طرف جناحهای مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده منتهی هریک بشیوه خاصی خود، خواهان این بازسازی است همین اختلاف روش در رسیدن به هدف که میا رزه طبقه ای موجود در جامعه و تحران رویه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که بویزه دوجنا چا رز و قدرتمند رژیم اختلافات با بالا گیرد. آری، جنگ قدرت در "بالا" حدت سیاسی یافته است دوجنا ح قدرتمند قدرت حاکم آشکارا بهم چسبک و بدین نشان میدهد. "اسلامیت" و "معیویت" قراموش گشته است و "ا خوب اسلامی" و "وحدت کلمه" توسط منادیان آن ها بدست لگدکوب میشود در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکنند و زحریه های خاص خود برای از میدان بدر کردن حریف یا ری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "چماقدار"، "غریب" و... میخوانند و دیگری القای چون "پاندول"، "غرب گرا"، "غیر مکتبی" و... نشان را حریف میکند بطوریکه نشان آیت الله خمینی هم بدست از این میا رزه خودی ها بلند شده و آنها را از "مبارزه" یا یکدیگر بر حسد می دارد و "سازش" را توصیه میکند. آیت الله خمینی در سخنرانی اش خطاب به استادان این تگرائی خود را از "مبارزه خودی ها چنین ابراز می دارد:

"در طول این مبارزه از قبل ۱۵ خرداد ۴۲ تا وقتی که بنات نا همتا می سهم خورد هیچ وقت تگران نبود... لکن حالا تگرا نم... تگرائی بقیه در صفحه ۲

سرنوشت نامعلوم زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی صفحه ۱۳

کردستان، سرزمین حماسه، قلب پر طپش انقلاب! • "پاکسازی" یعنی اعدام دختران زندانی!! صفحه ۵



پای صحبت کارگران

مصاحبه های کوتاهی با چند تن از کارگران همما صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

جنگ قدرت...

من از داخل خودمان است... (ارگا نهایی اسلامی) مرتضی دعوت به توافق میکنند همه لکسن خودتان هم توافق ندارید. این موجب نگرانی است... حالا دیگر مبارزه با رستم با هم باشد نارضکتیم... لکن مع الاسف آدمی نیست که سهرج دست میگردد اختلاف است... آنچه موجب نگرانی است آن است که جمهوری اسلامی شکست بخورد. (با مداد، ۲۲ خرداد)

ولی علیرغم تمایح آیت الله خمینی (در نقش یک ناز دهنده بین دو جناح - اگرچه بدلائل زیادی خود به جناح حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش نزدیکتر است) که این نصیحت‌ها را قبلاً هم به "همه آقاها" گفته است ("من مدت‌هاست که برای این جهت نگران بوده‌ام تا این که نگرانی را گفته‌ام") - با مداد، همان تاریخ (جنگ قدرت کشتش و شدت بیشتری می‌یابد، بطوریکه حتی سران جناح با ذکر نام به یکدیگر حمله میکنند، البته در این میان هر یک از جریانات به حربه‌های خاص خود مجهز هستند و پیوسته خویش در جهت سرتی سوبکری تلاش میکنند. جناح با صلاح "لبرالها" حول محور سستی، موبایعاریت دیگر برهبری بنی صدر بیشتر بر حرا ن اقتصادی - سیاسی جامعه تا کید میکنند و اینکه این بحران در صورت برسر غفلت نیا مدن حریف و متعصبان در مقابل معطلات اتحادی - سیاسی... (یعنی در برابر برآورده‌ها و انقلاب) با عیب راه افتادن سبیل عظیم و سنیان کن نوددها میشود و همه را با هم یعنی قدرت‌ها که در آنجا خود فرو خواهد بود، برای فرا زکوداب بحرانها و معطلات موجود، ضمن ناخوش به پیشوه‌های یکجا نبه و کنددختی و حاکم - مغزی حریف، با روش "تهدید و تحسین" (همان روش تعدیل شده جمعی و نان سیرتی "کدر مقابل مردم و انقلابیون بکار میگیرند و کوکوز کردن خطرات سیاست یکجا نبه و یک بعدی آنها خطر "زندگی‌های مخالف" را من ذکر می‌نمود و آنها را از سیاست سرکوب صرف و بی‌خام بی رویه بر حرمی دارد. ("تذاتی و مجا عدلیت" بایدند سکتیم، با جمعی بحرکت مبردا سکا گری از سنی سنی برسم - بنی صدر - انقلاب اسلامی ۱۲ خرداد)، و به برهبری از روش و منش بورژوازی و دور اندیشانه خود فدا می‌خواهد، بنی صدر بر اصل جمعی و نان سیرتی "با ی می‌فرد و کارا" (این اصل را در موازات می‌سعد و از جمله کردستان من ذکر می‌نمود و از "انسانا در خود" و "برسر غفل آمدن" - قسمت عمده‌ای از سیروهای مخالف در کردستان، در آمریکا رکیزی "مل فوق الذکر" ساد می‌کشد. ولی کوشی "سرود مسیح آهمن بر سکت" حریف کودن شروخت بر آنت که "موقعیت خطر کنونی" (یعنی موقعیت جامعه متحول و انقلابی کنونی) را درک کند و بدون آینده نگری فقط می‌خواهد همه چیز را در دست خود بدهد، بخرا بکشد و حتی به "دوسان و ترا - دران" خود نیز رحم روا نمی‌دارد و حاکم می‌کند که اکثر اوضاع بدین منوال برود، سبیل نوددها بقول آقایی بنی صدر، آنها را با هم خواهد خورد.

جناح با صلاح "لبرالها" برهبری سنی صدر (که از طبیعتی محلیاتی چون چینه ملی، سنج آرازی، روحا نسسون لبرال... تشکیل شده است) برای رسیدن به مقصود و با توجه به "مل جمعی و نان سیرتی" تا کیک های بر سر را احیا کرده و گماکان اجرا، میکند:

۱ - سرکوب قاطع سیروهای انقلابی و نوددهای آکا هلیق - در این مورد به طریقی هما هنگی و وحدت

با حریف بر قدرت مقابل، لازم و اجتناب ناپذیر است.

۲ - تلاش برای تفهیم وحدت بین خود و جناح حریف (خطاب به حزب جمهوری اسلامی در مقاله "ما و حزب") "ما همواره خواهان وحدت و تفاهم هستیم - انقلاب اسلامی، ۲۵ خرداد) و ضرورت آن در روبرو روشی با موج فزاینده نارضایتی نوددها و رشد سیروهای انقلابی.

۳ - کوشش برای جلب و جذب دیگر سیروهای لبرال، متزلزل، و خنثی، حتی از میان روحا نسست بدون توجه عملی به اصل "مکنتی بودن" که یکی از حربه‌های طرف مقابل است.

بنی صدر و لبرالها - با توجه به چنین تاکتیک‌هایی با حریف و در عین حال با انقلاب مقابل می‌کنند و نتوان کنون در مقابل جناح حریف از موفقیت نسبی بهره‌خورداری نوددها، در روز بروز گام‌های بیشتری در جهت پیشروی خود و عقب راندن جناح مقابل برداشته اند و این علیرغم حمله‌های دفعتی و پیروزی‌های موقتی حریف میباشد.

اما بهینیم در مقابل جناح "لبرالها"، جناح دیگر برهبری حزب جمهوری اسلامی به جهنا کنیک‌هایی برای کسب قدرت بیشتر دست می‌زنند و از حربه‌ها شنی در مقابل به حریف سهم قدرت بر خوردار است:

● قدرت حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میدانند. این امریست که در عمل از طرف جناح‌های مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده، منتهی هر یک بشیوه خود خواهان این بازسازی است. همین اختلاف روی در رسیدن به هدف که مبارزه طبقاتی موجود در جامعه و بحران رویه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که پیوسته دو جناح بازر و قدرتمند رژیم اختلافاتشان بالا بگیرد.

● در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکند و از حربه‌های خاص خود برای از میدان بدر کردن حریف یاری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "جمادار" و... میخواند و دیگری القایی چون "باندول"، "عرب‌گرا"، "غیر مکنتی" و... نثار حریف میکند، بطوریکه فغان آیت الله خمینی هم شدت از این "مبارزه خودی‌ها" بلند شده و آنها را از "مبارزه" یا یکدیگر بر حذر میدارد و "سازش" را توصیه میکند.

۱ - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش در مقابل به با انقلابیون و سیروهای آکا هلیق معتقد به سرکوب و چنان سسینویه "نان سیرتی" اعتقادی دارند (اگرچه در این اواخر طاهرا رکدها شنی از جنس ساسنی، ساسن "نان سیرتی"، در روزنا مدحرب دیده‌اند) - مثلا بر مقابل در روزنا مدجمهوری اسلامی بهار سب ۲۵ خرداد، ولی این نسعی اتحاد جنس ساسنی از جانب حرب سست و طر نفکر حرب اچاره انا ساسنی که "نان سیرتی" را هم در کار "جمعی" بکار برکند و سار تان و لیکند تا مکنتی می‌سازد.

۲ - حربه مدح - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش با توجه که سکا را نوددها حاکمات مذهبی مردم و با کید بر سکتیلات سنیان در میان نوددها (از طریق میاجد و...) "طرف مقابل را به غیر مکنتی" بودن منتهی میکنند و در این راستا با اسفاده از آنتس اللدخمینی (که در این جناح بسیار نزدیکتر است تا به جناح مقابل) به حریف سرست می‌سازد، در این مسورد سونو ریا داس ولی ما خوا سندگان را سکی از باره - سرست در روزنا مدجمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع مدهم به مقاله "راسی جکسانی آقایی برشس جمهور را ضعیف کرده و می‌کند" - آجا که سعاد زیادی از همکاران افلی بنی صدر را با ذکر نام به اصطلاح کفوسیت و "غیر مکنتی" منخواهد، از جمله احمد سلامیان (رشن کفران سبین الطلی برری مداحلات آجریکا در ایران) (احمدنا جنگ رسا سسده

سرست در روزنا مدجمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع مدهم به مقاله "راسی جکسانی آقایی برشس جمهور را ضعیف کرده و می‌کند" - آجا که سعاد زیادی از همکاران افلی بنی صدر را با ذکر نام به اصطلاح کفوسیت و "غیر مکنتی" منخواهد، از جمله احمد سلامیان (رشن کفران سبین الطلی برری مداحلات آجریکا در ایران) (احمدنا جنگ رسا سسده سرست در روزنا مدجمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع مدهم به مقاله "راسی جکسانی آقایی برشس جمهور را ضعیف کرده و می‌کند" - آجا که سعاد زیادی از همکاران افلی بنی صدر را با ذکر نام به اصطلاح کفوسیت و "غیر مکنتی" منخواهد، از جمله احمد سلامیان (رشن کفران سبین الطلی برری مداحلات آجریکا در ایران) (احمدنا جنگ رسا سسده سرست در روزنا مدجمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع مدهم به مقاله "راسی جکسانی آقایی برشس جمهور را ضعیف کرده و می‌کند" - آجا که سعاد زیادی از همکاران افلی بنی صدر را با ذکر نام به اصطلاح کفوسیت و "غیر مکنتی" منخواهد، از جمله احمد سلامیان (رشن کفران سبین الطلی برری مداحلات آجریکا در ایران) (احمدنا جنگ رسا سسده

۳ - اسفاده از به اصطلاح خطب عدا میرا لیبسینی خود در مقابل به حریف (ما بعدا در همین مقاله به بقیه در صفحه ۸

۴ - سعی و کوشش در جهت تضعیف جبهه انقلاب و کشاندن سیروهای متزلزل درون جبهه انقلاب بسوی خویش. تا کیک کده در صورت موفقیت هما بقدر که جبهه انقلاب را ضعیف میکنند و در این سریه می‌زنند، جبهه ضد انقلاب و سیرو جناح لبرالها را بقویت می‌نماید.

۵ - آسای جناح مقابل در "مقبول" یعنی نا جا شکیه مقابل کل قدرت حاکم می‌سازد. وارد نمازد، در این خصوص میتوان از آغا زنجانی سنی - صدر برای "ما معروجا سست می‌سازد" مثال آورد. سنی صدر سخن را جنس شروع میکند:

مکر سکردها بر سناط را دیو و دیو سیرو - بخواد مدو و میا دال با رخصت می‌گردیم (اوپا سم سیری که در دیو را منوجه می‌نود که خود را "لو" دادا داس، سسمن لحاظ بلافاصله "خطا" می‌خود را به اصطلاح صحیح و ادا ده می‌دهد) برای مردم عدا دال با رخصت سکتا ما در جمهور مردم با مدحوا س را سسند (تا کیدات ویرا سسند از ماس).

بنی صدر می‌خواهد تا کارهای حریف را با زکو کند و دلس را با رسیا بدوش کوبیدن حریف احتمالا کروهی از روحا نسست را بخود جلب کند و با این کار چنی سازد، ولی وجود را دیو و دیو سیرو (که عمدتا در دست حریف است) و احتمال اراشه "در دلد" قای بنی صدر به مردم او را از این کار با زمی دارد.

۶ - سیروی کام‌گام‌سازی کب قدرت بیشتر و عقب راندن قدم بعدم حریف بر قدرت و کلدیوک، و سرانجام با سودی (بر عزم خود) "ما را کرسد دلد" (که در دست حریف است) در این مورد میتوان به پیشرو سسای لبرالها و سنی صدر بطور خلاصه اشاره کرد، از آن جمله است: کب معا مفر ما دهی کل فوا، اسما بفرمانده سها سار ان و چک انداختن بران، اسما ب سیریت را دیو و دیو سیرو، کوشش برای تقویت سنا دهای دولتی و تضعیف سنا دهای چون جها سا زندکی، کمینه‌ها و سنا دها که بیشتر در دست حریف است.

۷ -

جنبش کارگری



اعتصاب کارگران کوره پزخانه های کاشان

کارگران کوره پزخانه های کاشان پس از اطلاع از اینکه کارگران کوره های آجری شهران توسط سندیگایان متعصب کشته شده اند، در ۱۰ خرداد ۱۳۵۰ شنبه ۵۹/۲/۲۸ متعصبان را دست به اعتصاب میزنند. این کارگران در ازای همین تعداد آجر مبلغ ۷۰ تومان دریافت می داشتند. اعتصاب آنها روزیکشنبه ۵۹/۲/۲۸ منجر به اعتصاب دسته جمعی میگردد.

روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۹ تهدید کارفرمایان کوره ها برای به سرکار بازگرداندن کارگران با درگیری همراه شده و طی آن چندین کارگر را زخمی می کنند. ما موران زاندارمری به حمایت از کارفرمایان بیش از ۳ نفر از کارگران را دستگیر میکنند. روز سه شنبه ۵۹/۲/۳۰ کارگران در محل فرمانداری متعصب می شوند. در این روز بجای اعتصاب سندیگان، بقیه همسه آزاد میگردند. اکثر کارگران که افغانی و خراسانی و کرد میباشند (بجز کوره های که بعلت شرایط خاص کردستان با توافق بقیه کارگران در بخش شرکت نگردند) در بخش شرکت کرده بودند. ساعت ۷ بعد از ظهر جلسه نمایندگان کارگران و فرماندار تشکیل میشود. در این جلسه فرماندار روی مبلغ ۷۰ تومان تاکید میکند و از اعلامی بودن کشور و لزوم کار بیشتر و ... دم میرند. اما کارگران که سال قبل قدرت همبستگی را تجربه کرده بودند، این بار هم متحدانه برای افزایش دستمزدشان با فرماندار می کنند. آنها چند نفر را هم نزد منتظری به قسم میفرستند و از او نامه ای میگیرند اما "فقیه عالیقدر" هم از کارگران میخوابد که با توجه به "شرایط کاشان" همان مبلغ ۷۰ تومان را بپذیرند. کارگران با دیدن محتوای نامه، اعتراض باره کرده و به شورای شهر و سپس شهرداری میروند.

سراجم کارگران پس از ۵ روز مبارزه روز پنجشنبه طی جلسهای که فرماندار در شهرداری کاشان تشکیل میدهد، روی موارد زیر به توافق میروند. ۱ - با توجه به سطح زندگی در کاشان به کارگران در برابر بر بخش هر ۱۰۰۰۰۰ آخر ۹۰ تومان پرداخت شود. ۲ - کارفرما موظف است غذای خوب و ارزان و بموقع برای کارگران بپزد. ۳ - کارفرما موظف است که کارگران حق اولاد برداخته و برای آنان دستکش و لباس کار را فراهم نماید.

اعتصاب کارگران پس از دست آوردن موفقیت نسبی به پایان میرسد و با آزاد شدن چهار کارگر بدانی همگی به کار میروند.

میزند برای اینکه بیشتر و را بجا بیاورد. آقا کول حرفه هایشان را بخور که همه اش با دهاست!



پای صحبت کارگران مصاحبه های کوباهی با چند تن از کارگران "هما"

دست بکار شویم. هر که را هم ببینیم همین را به او می گوئیم، بگذار یک سید فلانی "خدا شناس" است و اخلال می کند. آخر بالاتر از ساهی که رنگی نیست. بیرونمان کنند که و معلمان بیشتر بدست میروند. کوریدرمان با این مملکت دارم!

تمام سالهای خدمت من با نگرانی و وعده و وعید همراه بوده است.

آقا مژدی که من میگویم بخشی زندگی میخواند. امرا را من میگویم. روزی ۸۵ تومان است (حدوداً) بخدا و هر آنکرا اعتماداً رسیدنشان خوانده ام. خالست میگویم ولی چه کنم. بنای درجه ۲/۵ هست و ۱۰ سال سابقه کار دارم. "هما" دارم. هر کسی را که بدین کار مل کرده اند آمده، بکشت و عده داده، جیب خوش و درسا نخرایر کرده و با اقواسن را سرکار گذاشته و رفقه و وضع من و امثال من بدین سده که خوشتر نبوده. اگر فرار را بدیده حق کسی رسیدگی شود، والله به سربزه پیغمبر با سداول جانت کاشی را گرفت که بیشتر مورد ظلم قرار گرفته اند. شما مالهای خدمت من و امثال من در "هما" با کورانی و عده و وعده همراه بوده است. هر کسی را این رئیس رو" با بگ جری به ما ظلم کرده اند. قبلاً که نظام میباش بودند پدر ما را در میان و در دودگی حق فکر کردن نداشت. حالا هم که میگویند رئیس رو" با دوسان آقای بنی صدر هستند، با زهم وضع فرقی نکرده، حدودی پیش رفته بودم و لایمان، آنجا هم وضع فرقی نکرده. مثل اینکه همه اش تبلیغات!

همه اش از حقوق کارگر حرف میزنند برای اینکه بیشتر او را بجا بیاورند.

من کارگر فنی هستم. ۳۰ سال است که سوسیال است. شرکت مسئولم. و حقوق میباید بپردازد. روزی ۹۰ تومان. زن و بچه ها هم در شهرشان بیشتر ما دارم. هست و خود ما اینجا. سراجان مادران با روزی ۹۰ تومان میبوسوی این شهر زدن است! زندگی کردیم با ما در بیرون و وجه؟

از او اول قول دادند که مرا مثل بقیه رسمی خواهند کرد و حقوق کمی اما به خواهند. ولی اگر نتوانست گوشت را بدی اما به حقوق و رسمی شدن مرا هم می بستی. هر جی حساب میگویم می بستم بوجه! ما زهم کم و کسور را در جی بیشتر خودم جز میبدهم که در ماه کم تر خرج کنم تا بدیکه کمی بیشتر بفرستد شهرتان. نمیشود که نمیشود. گفتیم تا بعد از انقلاب وضع ما را آنهایی که در پارس هستند بهتر کنند ولی از آنها شما حقش نرسید که نرسید. نمیدانم چه کنیم؟ همه اش از حقوق کارگر حرف

آنچه که در زیر ملاحظه میکنید، مصاحبه های کوباهی است که با چند تن از کارگران "هما" انجام گرفته است. این مصاحبه ها از تشریفات مبارز "نقل شده و از جمله ویژگیهای آنها اینکه با ما به لزوم و امکان تغییر این شرایط در آنها موج میزند. این طوری وضع درست نمی شود، باید کار دیگری کرد.

من در قسمت نظامت کار میگویم. ۱۷۰ سال است که در "هما" سابقه خدمت دارم. در طی این ۱۷ سال هر روز را به ما گفته اند که فردا رسمی خواهیم شد. بزرگ شد، بعد هم زن گرفت و بچه دار شد. ولی مرا هنوز رسمی نگرفته اند. بعضی وقتها خیال میگویم با دستا رفته که اگر ما سوسیالیست بودیم کتفا طلب تمام جا را بر میداد. پس چرا فکری بحال ما نمیکنند. آنجا حد مصیبت ۱۷ سال سابقه کار و روزی ۷۶ تومان حقوق؟! شما که ادعای مسلمانی میکنید، کجای قرآن چنین چیزی نوشته که حق ما را بخورید و ما هیچ نگوئیم؟ حرف هم که نمیشود زد. آن غطروا دکلن زده با آن کراوات و ما شین بیزان (■) مثلاً میماند. ولی عشق دنیا را می کنند. آنوقت من بدیخت همه اش بوی کتفا طلب می دهم و روزها زیر آفتاب سرخا و پیدمان در میانم و جلوی خشمان میایم مثل اینکه آدمیستم خودمان که می بوسید که بقیه هم نمیشود این بوی کند را تحمل کرد. این است وضع ما. اوایل انقلاب هم رفته بودم از کمیته تفکک گرفته بودم و شبها کتیک میدادم ولی آخرش چی شد؟ هیچ. همین هست که می بینید. این طوری وضع درست نمیشود، با بدکار دیگری کرد!

تنهایی نمی شود کاری کرد، همه با هم دست بکار شویم.

من بنای درجه یک هستم و روزی ۳۵ تومان (حدوداً) حقوق میگویم. خودم هستم و ۸۰ ساله که تنهایی آن و ران من هستم. شما بگویید با ۱۳۵ تومان حقوق چطور ۹ نفر میتوانند زندگی کنند با برنج کیلویی ۱۶ تومان و مرغ کیلویی ۲۵ تومان و ...

آه کی با بدیدر ما برسد؟ ۱۶ سال است که سوسیال است شرکت جان کنده ام. جوانیم را همین جا داده ام. پیر شده ام ولی هنوز رسمی نیستم. نامه میگویم، عرض حال دادم. این درو آن دردم، ولی اثری نکرده نگردد! از ما که گذشته ولی به شما میگویم که اگر دست روی دست بگذارید ۲۰ سال دیگر مثل من میتوید. این را هم بگویم که تنهایی نمیشود کاری کرد. همه با دها هم

(■) - مقصودش مدیر عامل شرکت بود.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دانشگاه...

ساعت ۱ بامداداً پیروز دکه فروشی تشریات سازمان
بیکاردرمها دمنفرد شد. سازمان بیکاردرمها آزادی
طلعه کارگر- میباید، در این زمینه اعلامیه ای منتشر
کرده که ما تمسباتی از اسرائیل می کنیم:

مردم آگاه و پیوسته کارکنان مبارزان امروز است را درک می‌کند که رژیم با این دلیل دروازه‌های دانشگاه این سبزه آزادی را بر روی آنها سوری دانشجویان بسته است، تا بگذارد دانشگاه به صحنه برکود پیوسته و روستاگران انقلابی با نودهای مردم و پیوسته صحت کسان مبدل گردد.

رشد اجتماعي عمل سرورسي عليه مراكم فعاليت
سرورهاي مرفي و انقلابي بدون كمالين سوسه
سبب و ما ماحدوده ام كددر سارايران نيرورهاي
مرفي و انقلابي همواردمورد هجوم سرورهاي و عواميل
مربيع و عداقلابي نوآرادمياداند. طي همين سبب
اخير بود كد كذرفروني سربا با زمان نيكار در
مساوآت و مسا سكا و عكس هواداران سازمان در
آبادان مورد هجوم عوامربيع فرا گرفت و زمين
روفت. اما مطلب مهم كد سركاري اولين با رايست كددر
نيكي ارشهرهاي كردسان با ماحدسين اعمال سرورسي
خمس. با كمون كردسان دليل وجود و كسركسي
خميني انقلابي بوده و سرورهاي مرفي و انقلابي
ودر سجد نصف سرورهاي مربع و ضد خلق، مهند آزادي
سراي عنامرورهاي مازرو انقلابي بوده است و
سر خلاف با سربا ايران. مربيخمين شيكا مسا سبب
اند ماربع فعاليت آنها سوبد. اما اسخارد كدهوا -
داران سازمان شيكا در سبب ۲۰ خردادرك خطري
سراي خميني سركاري انقلابي و مسا زركدهوا ميل
مربيع و كسي كد فعاليت آكا خكراميد سرورهاي

مردم ما رو آقا دما هرگز اربا دمسیر ندکده اســ
سکر آزادی چه قبل از قما و جدد رحرا ن قما و همســ
طور بر ازان چگونه سیر کوهرس حصد های نما نـ
سوده ای ، نظا هرا ب ، مینکهای انقلابی ، سادل
نظر طبع ، آموزش انقلابی و سوبدین بخشای مختلف
مردم ما ، بدل شده سد . آنها هرگز اربا دمی سر ندکده در
سما یی دوران هر کس که اندک علافادی دمسما رزه
داشت و سما آنها شیکه سدان برای انقلاب می طبید
و هر کس که از رزم جلداس و حسان آ ن و سما میرسا
لسم آ مریکا ، کینه بدل داشت ، هر روز صبح ، قبل از رفتن
به هرا ی دیگری راهی دانسکا ه می شده و آنجا سرمیـ
زنسا برای مبارزما دیکرا ن در آمیزد ، سادر حینها ،
سخرا نینها ، مینکها ، نظا هرا ب و ... سربک گندو از
اخبار ، علامه ها و ... بمنظور افراشی آکا ی خود ،
استفا ده میا د . آری زمکنان و کار کرا ن و سمر دم
محروم سبب د رجوسی ترین سفا ط شهیر ، افرا ملاقات
و سما ن خود را در داسکا هها میکندا شند . مردم هر کس
صحنه ها را فراموش نمیکند . مردم ما اربا دسدرده اند
که در زمجانسکا رنا ه ، علاوه بر اینکه همیشه ما سع از
ورود مردم سدا سکا هها میدنسا از سما ی سوده های 'مردم
با داسجوا ن و روسفر کرا ن انقلابی جلوسکری سما بد
هر کما دبا اعتراض و نظا هرا ب داسجوا ن ، روسرو میدنـ
بویزه وقتی که میخوا سدا دما آ کرا حاشا سدا ی
انجام دهد . در مورنیکه سمینوا سبب اعتراضا ت و نظا هـ
ا را سربک شما بد ، ا سکا ه را موفسا هم کده ـ
طبلیل میگرد .

اکسوز رحمستان و کارگران آکاها سوال می-
کنند، آیا تعطیل سراسری دانشگاهها، ماهیتی غیر از
این دارد؟
آنها سوال میکنند که این چگونه انقلاب فرهنگی
است که با کشته شدن دانشجویان آغاز و سپس به سستی درهای
دانشگاهها و سروری به فقط مردم بلکه خود دانشجویان منجر
شده است؟

آیا چنین اقدامی میتواند هدفی بجایان داشته باشد؟

ولا"، از تماس سوده‌های مردم با روسفکران انقلابی جلوگیری کند.

شایسته، مانع از فعالیت‌های انقلابی-سیاسی دانشجویان
و دانشجویان هم‌اکنون در...

نالتا"، زمینه راجهت کنترول کامل داستگاها و در

روشن است که اگر منظور انقلاب فرهنگی باشد،

۲۹. در سهب جادی غفاری ۳. دختر حلی جان و ۲. پسر
۱۱. عدم یکرد. ۱۰. سارا و با و احد بیام می گفت: "همه
بی دختر ما جا بلند شدند. آسپار با کارند. ما هر سب
بعدادی از آسپار عدم می گیم!" آنگاه خود او و
بایداران مزدور، دختران بی دفاع را با ما بین سه
و ده گاه برده و در جاده های اعدام می بردند!

تا مدتی بر سر مردن حنا یا آب برنج، از مغامبت
برسل افغانی ارسل یا کرده و حسن ادا می دهد؛
"سرازان و درجداران افغانی سوزی فرماندهان
روند و ملک می گردید، نگه داری ارسل سوزی
نگه داری بر سرست گسست، در همه های اول حک
دست سرازان اسلحه می دادند، و اگر هم می دادند،
هلا سلاخی می عرقا بل اسفا ده بود. اما بعدا چون
بندشان وضع نمی سوزا دادند اسفا ده بود، این
سوزا بود. ■

منشی که ملاحظه می کند عین تمسباتی از آن مه
است که یک سر را بر سرای ما از سال دایداست
مطالعه آن را از سببها اعمال حیانتکارانه سر
کوبگران خلق کرد آسمانی سازد .

... سابع بود که آخوندی بنیادگان آمده، خمسه
بی کفشد حلجالی است اما اسود، بلکهرش و سر-
سیدار حائسون، خادی غفاری بود که برای اعدام
مردن آمده بود. (چند) خادی غفاری را مردم ایران
ننگ ما را خوشی و یک دسردر سوسون ما خنده
بودند. بیکار) او احرار دینست که شک بغریسا
است تمام نیست ۲۵ هزار دخران کمتر از ۱۸ سال
بودند سگمر نه - که اکثر آن - دسور "خادی غفاری"
عقادند (داد و دهدهین حدود ۱۲ هزار عام نداده -
بیکار) آنها را در کویهای ۷ یا ۸ نفری به سروسکه
بی کفشد و دهدهینا - سر بردن ادا میکند

[illegible]

خلقها و مسئله ملی



کردستان، سرزمین حماسه، قلب پرطیش انقلاب!

خاطره يك رفيق از گروه امداد پزشکی هوادار سازمان از مقاومت و رزمندگی خلق کرد در سنج

آنچه که میخواهند گزارش کوه‌ای است که از کردستان قهرمان بدستمان رسیده است. آنچه که از نظرات خواهد گذشت کوه‌ای و فقط کوه نیست از حیثیتها و مساویتهای رژیم جمهوری اسلامی که از چند نقطه، فقط چند نقطه از شهر سنج روی داده است. بدینسان پس از آزاد شدن مجدد شهر توسط پیشمرگه‌های شهرمان عمق فحاشی و جنایات رژیم پرمیلا شده و مردم مبارزان به واسطه آبیجه‌گرد کردستان روی داده‌ها گی با زهم پیشگیری خواهند یافت.

لازم بیاورد است که این گزارش توسط یکی از رفقای گروه امداد پزشکی هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبعاً رگرتیه شده است. با آرزوی موفقیت برای چنین رفقای ارکلیه رفقای هوادار جوانانیم که گزارشات خود را از مسائل مختلف بطور مستمر برای ما ارسال دارند.

روز سوم

روز ۲/۲/۵۹ که در روز است که به سنج آمده ایم طرف تپه معروف کروی کول میرویم. این تپه منطقه ایست فقیرترین و بدون آب اهالی آب مورد نیاز خود را از این تپه می آورند. قسمت فوقانی تپه مشرف به پادگان است. امروز ارتش این منطقه را بدست با خمپاره کالبر ۷۵ و سایر سلاحها میگرد. شیشه‌های تمام خانه‌ها شکسته است و هر خانه جمعیت زیادی را در خود جای داده. دیدن صحنه آوارگی مردم بیدفاع و افعاد درسا کاست. ولی روحیه مقاومت آنها انسان را به وجد می آورد. دسی حدود ۳۵ ساله که تهرش پیشمرگه است. و دیکتی در سفل و با دو فرزند دیگرش بطرف یاش می رود. از دوزخ قتل با هم آشنا شده ایم. سلامتی کنیم بگری جواب می دهند. میگویم: "زنده خان شما هم مجبور شده اید خانه‌ها را زها کنید؟" با مادی بلند و با خنده میگوید: "خانم که از زنی ندارد اگر از ما ندان خود و فرزندانم را برای خود مختاری کردستان می دهیم".

آنطرف تر زن دیگری که با ما را حتی هر چه با منبر برای نجات دو کودک خود از زیر باران خمپاره‌ها تلافی می کند دیده می شود.

★ ★ ★

ساعت چهار است با وسایل کمکی اولیة جلیوی در سنگها بنادیده‌ایم تا به هر کجا که لازم میسر میسر. به پروا و هلیکوپترها نگاه می کنیم. چون در ارتفاع بنادیده ایم ما منظره شهر را می توانیم ببینیم. هر لحظه جانی و منطقه‌ای مورد حمله است و خمپاره قرار میگیرد

زنده باد خلق کرد!

کردستان قهرمان همچنان می رزمند. بلندگوهای تبلیغاتی حکومت تلافی می کنند و بنظر او نمودار زنده کردستان بدست ارتش و پاسداران فتح شده است. اما این دروغی بیش نیست. چرا که تفسیرها، تفسیر قلب خلق کرد نیست و خلق کرد، تحت هر شرایطی، مقاومت و مبارزه را در برابر خود را به اشکال مختلف ادامه خواهد داد. ما نمونه‌های ارمقاومت خلق کرد در برابر سرکوشش رژیم را نقل می کنیم

★ دیواندره ۱۴/۳/۵۹ دستگیری مردم بیدفاع موج دستگیری هادرشهای مختلف ادا می دارد. در این روز ارتش و پاسداران که اقدام به دستگیری مردم کرده بودند، طی یک درگیری دوترا زبشمرگان رزمنده دموکرات را به شهادت رساندند. بینکما باز - کنت نیروهای ضد خلق، پیشمرگان کوه‌له طی یک حمله تهاجمی ۱۵ نفر از آنها را به شهادت رساند و دو خود و رو را نابود کردند.

★ سنج ۱۵/۳/۵۹ حمله به پاسداران امروز در درگیری بین پیشمرگان "جریکهای ناشی خلق" و پاسداران یکس از پاسداران کشته و کلبه سه مهمان پاسداران بدست پیشمرگان قهرمان افتاد.

★ شاهیندر ۱۶/۳/۵۹ روستا هادر میان آتش و گلوله نیمه شب امروز عده‌ای از پیشمرگان حائز ناموس کرات به مقر پاسداران، زاندار مری حمله کردند. همچنین در این روز روستای "کس کورسی" مورد حمله و حمله به پاسداران تهاجمی و کشته‌ها به آن توسط پاسداران به آتش کشیده و روستاهای "ساروجه غلی" "دونگر کندی" و "آغ شنه" زیر بار گلوله و تهاجم قرار گرفتند.

★ بانه ۱۸/۳/۵۹ تفتیش و کشتار مردم بیدفاع شهر بانه جالی از کشته‌است و پاسداران و انقلاب مشغول تفتیش خانه‌های مردم شده‌اند. امروز در یکی از این خانه‌ها یک پیکار اهالی بانه به اسم "حاج کاک فرج" تعلب دیرا زگردن در خانه توسط پاسداران به رکیا رسته شده و با شهادت کردند. کروکان کیری شیوه معمولی ضد خلق در کردستان گردیده‌است. در همین روز تهاجمی از مزدور مستفردر با بانه تا یک و توپ به روستای "کرم آباد" واقع در جاده بانه - مریوان حمله کرده و جها و رفرا زروستانیان بیدفاع مشغول کار را دستگیر کردند.

★ مریوان ۱۸/۳/۵۹ پیشمرگان قهرمان میزمن امروز ارتش و پاسداران بمقد حمله به سکر "شیخ حسن" از پادگان میروان آمده‌اند. اما در حمله به شهر ما به پیشمرگان کوه‌له مجبور به عقب نشینی شدند. پیشمرگان قهرمان در این حمله، حاراتی نیز به پادگان وارد شدند.



این همه قساوت واقعیت دارد؟! ۷-۶ نفر از اهالی زخمی در حالیکه از قسمتهای مختلف بد نشان خون جاری است در گوشه‌ها افتاده‌اند پیرگردی کمربش مورد اصابت قرار گرفته و پشت سر کا ملاکند شده در همان حالت نشسته کشته شده است. پیرزنی، زن جوان مجروحی را طوری در بغل گرفته و میگوید که ما نمیتوانیم محلل زخمهایش را پیدا کنیم.

هوا میروید. از خانه‌ای جای می آورند: "بخورید... شربتی هلیکوپتر است..."

روز چهارم

۵۹/۲/۲

حدود ساعت ۶ بعد از ظهر، از یک کدالای بدو بر زمین خانه‌ای آمده ایم. علاوه بر تهاجمی، هدای افعارانی در نزدیک کوش می رسد. پادگان را رسا ملاحضاتی سکسین اسفاده میگردان خلقی را که جرحی غاد لایه "خود مختاری" در جها روج ابرانی مسئول و دموکراتیک نمی خواهد. سرکوب کند. خبر می آورند که در کوجه پاشینی حمله را داده‌اند. با سرعت خود را به محل جاد می رسیم. کوجه‌ای بارک. که جوشیای خون در آن روانند. صحنه‌ای را که می بینیم نمی توانیم باور کنیم! آبا این همه قساوت واقعیت دارد؟! ۷-۶ نفر از اهالی زخمی در حالیکه از قسمتهای مختلف بدستمان خون جاری است در کوه و کدالای رسا داده‌اند. بمرمردی که شش مورد حمله است. تهاجمی است و دست سرش کا ملا کشیده شده در همان حالت نشسته. کشته شده است. میرونی. زن جوان مجروحی را طوری در بغل گرفته و میگوید که ما نمی توانیم محل زخمهایش را پیدا کنیم. گروه امداد دیگری قبل از ما به محل رسیده‌است. دست و پای خود را کم کرده‌اند. همیشه فکر می کردم اگر خمی ددم که خوشتری دارد. فوراً با دست بنده در صحنه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

سفر بنی صدر به بلوچستان

روز سه شنبه ۵۹/۳/۶، بنی صدر به منظور دیدار از پایتخت نظامی "کنارک" به آنجا سفر رفت.

طبق برنامه اعلام شده از طرف مقامات محلی قرار بود وی عصر روز سه شنبه در راهان سخنرانی کند. روز قبل از آن، رادیو و تلویزیون راهان مرشدان مردم را به تجمع در محل اسنادیوم ورزشی به دعوت میگردانیدند. بنی صدر را کوش دهند. ولی، عصر روز سه شنبه خبر رسید که به علت بنی صدر در راهان توقف نکرده و مستقیماً به "جانبها" رفته است.

بنی صدر بنی از نطق کوتاه بی درجهای رواستماع سخنان و خواسته های نماینده ها و قاضای فحشان بزرگ منطقه، که خواهان قدرت بیشتری برای "بهرامی" استاندارستان و بلوچستان بود اظهار داشت که اکنون فرصتی برای گفتگو با مردم ندارد و آنرا بوقت دیگری موکول میکند.

وی بلافاصله بعد از توقف کوتاه خود در جایگاه، به پایتخت نظامی "کنارک" که در دست اختیار است رفته و پس از انجام مذاکرات با مسئولین مربوطه به نهران باز میگردد.

(سنگل از بنی در بلوچ شماره ۲۶)



همدما سرود می خوانیم و سرود همدگر می خندیم آری خلق کردیم و زنده است.

۵۹/۲/۱۸

امروز ما در بنک ۱۷ شهریور هستیم. هر کس مسئول کاری است، من و چند نفر از رفقای گروه ما مدد مسئول منظم کردن دارو ها و فقه بندی آنها هستیم. ناگهان خبر می رسد که به سفیر خمیاره آتش را امانت کرده و حالشان وخیم است. بلافاصله خود را به محل حادثه می رسانیم. دو نفر را توسط آمبولانس از محل حادثه بیرون می برند. دیگری را که جوان ۲۳ ساله ای است به درمانگاه بنک انتقال می دهند. روحیه نیرومند او انسان را به تحسین و امید دارد. با اینکه بدنتش سوخته و لبهاش سوراخ سوراخ شده، در مقابل تلاش ما برای خواباندن او روی تخت، مرتباً می گوید: "من حالم خوب است چرا همه شما دستپاچه شده اید". بعد از یک ساعت او هم با آمبولانسی به بیمارستان انتقال می دهند. گردستان معلول از جنین دلاورانی است. و با چنین دلاورانی، همواره چون کوهی استوار مقاومست خواهد کرد.

امید کمی به زنده ماندنش می رود. آرزوی کم که این رزمنده قهرمان خلق زنده ماند. اما بعد از چند روز خبرش به ادب سرحش بی اندازه مرا اندوهگین می سازد. با همه سپیدی خلق جا وادان باد!

در روزهای دیگر چه دیدیم؟

۵۹/۲/۱۲

امروز برای آوردن مقداری دارو و وسایل طبیبی بلغیسی یا پهران به دفتر سازمان پیکار در راه آباد سنج آمده ام. هلیکوپترها بر فراز شهر پرواز میکنند. صدای سیراندازی و انفجار خمپاره ها و نارنجکهای ارتش اسلامی قطع نمی شود. ناگهان سرودای رفقای که در حیات دفتر هستند بلند میشود. به طرف حیات می دویم و هلیکوپتری را می بینم که مورد آماج گلوله بیشتر - کان قرار گرفته و در حال سقوط است و چه غرور آفرین! همه فریاد می کشند و می گویند: محابا به طرف بالا می - دوند. پسرانی از اهالی محل که در کارهای آشپزی در دفتر به رفقا کمک می کنند همراهم می دوند و ناگهان شروع به خواندن سرود کردی "نشدی رفیق" میکنند. فریاد "کس نه کورده کورده کورده" قضا را بر کرده است.

گودستان...

بیجی میگویند و بعد از رهای دیگرش را انجام میدهم ولی حالا جراحاتی را می بینم که بزرگتر از حد تصور من هستند! دوبای قطع شده پیرزنی در کنارش افتاده با این زخمها کاری میتوانم انجام بدهم؟

قسمت بالای بدنش را می بدم. در همان حال فکر میکنم که دیدن این صحنه ها آنچنان بزرگترین دشمنان خلق در دلم می گذارد که جز با نبودی تمام آنها از بین نخواهد رفت.

مردم میگویند که در حیات هم نشی مجروح افتاده است. به سرعت به طرف حیات می روم. خمپاره تمام بدن زن جوان را مجروح کرده ولی خوشبختانه زخمها سطحی است. شروع به بستن یک یک زخمها می کنم. فریاد میکند: ناله میکند. آمبول می کشی به او تزریق میکنم. سهرش میگوید که با بدنتان ما اینجا را گرفت. کسی با ورمی کند که زون و جبهه میکان را با اسلحه قتل عام می کنند؟ و مرد دیگری با ختم تمام فریاد میزند: اینجا می گیریم، حتما، حتما!

در حین مداوای مجروحین، به اهالی میگوینم که با بدمل را تخلیه کنند. ما سینی از قسمت پایشان کوبه برای بردن مجروحین می رسد. نمی دانم کدامیک را سوار کنیم. ما شش مجروحین را می برد و ما در زیر کتا رکلوله ها سرعت رکوبه ها گذشته و به بنک می گردیم.

روز پنجم

۵۹/۲/۵، ساعت ۳ بعد از ظهر: بالای سه "کروی"

کرو "کسم" با سحرکاتی که در سحر کنند، محبت می کنیم. آنها اکثر این سحرکات را کوبه دهند. از اینکه مردم منطقه را ترک کرده اند، را می بود و می - کوبند که اسطوری مردم کمتر است می بینم و ما را حبت بر ما و مت میگوینم و می جنگیم. حدود ۲۰ دقیقه میگذرد که با شش آمده ایم خبر می آورند که بالای بنک یک پهنر که خمپاره خورده است. به سرعت با یک لندرو خود را به بالا می رسانیم. خمپاره یکت است و قسمتی از یک دست را از بین برده است. در حال اغماس، خلقی جوان است. تا به ۱۹ سال پیش پیر بدا سداست. چه ریک زخمی و ما روزا فعی خلق کردار دارد. در آن سحر سیری را در یکت بدت بریده است. شوی ما شش احاس میگویند که یکی از پهنر شش است با در مقابل جمانم در حال جان باختن است و من کاری از دستم بر نمی آید. دلم میخواهد بجای او من مجروح بودم. اگر او یک پهنر که قهرمان است. او فرید خلق دلاور کردار است. او زنده است که جان را و نبغه آزادی خلق کردار زنده ست ملی و طبیبی فرار داده است. قسمت غیب ما شش جانک است. با - هایش را به بالا نیکند انده ما بلکه چون کمی که در سدن دار به برش هم برسد. بعضی کلیم را گرفته است. بی - احتیاط به راه شده میگویم: "تند برو و جانش میگویند - سیرو". از غلبه احساسات به خودم حجت میگویم. با خود میگویم باید شجاع بود باید از سرخ این پهنر که نهیمان را ادامه داد. باز حجت را یاد و زیر کتا رکلوله های ضد خلق خود را به بیمارستان نهاد میسر است. در حالیکه معلوم نیست خود را کی زنده می مانم. مجروح را به بیمارستان تحویل داده و بر می گردیم. در حالیکه

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک



اخبار و مسائل جهانی

رژیم جمهوری اسلامی از چه کسانی در افغانستان حمایت میکند؟

سیا از مرتجعین مذهبی در افغانستان حمایت می‌کند

ما در گذشته، در مورد نیروهای درگیر با رژیم مزدور ارتجاعی افغانستان و ارتش انزالکروس متالانی در سماره‌های قبلا را آورده و موضع خود را در قبال نیروهای موجود در افغانستان نشان داده ایم. آنچه که در مورد اوضاع داخلی افغانستان برای ما حائز اهمیت است مبارزه برحق سوده‌های زحمتکش افغانستان به همراه ما زما نه‌ای انقلابی آنها بر علیه رژیم سرسپرده پیرک کارمل است و در این روند افشای ماهیت و عملکرد نیروهای مرتجعی نیز که با انگیزه های خاص خود با دولت افغانستان درگیر هستند و جدا ساختن صف آنها از صف انقلابی سوده‌ها و انقلابیون افغانی ضروری است. نیروهای مرتجعی که هر یک بنوعی سردر آخورا میربا لیم آمریکا دارند و اتفاقاً از حمایت گسترده رژیم جمهوری اسلامی نیز برخوردار هستند. تا حد این مدعی ما خبری است که در زیر نقل می کنیم. در کپیا به شنبه ۲۰ خرداد ۵۹ آمده است: "روزنا به فیلا دلگیا اعتراف کرد که ما زمان "سیا" سلاحهای مختلف را در اختیار میا رزان افغانی می گذارد." (با مداد اول آبان ۵۸) قبلا نیز همین به اصطلاح "مجا هدين افغانی" از محمدظا هرا هپا دتا ما بق افغانیستان دعوت کرده بودند که به مناطق آزاد شده بگردند (با مداد اول آبانماه ۵۸) در شرایطی که خواسته‌های برحق خلقها و سوده‌های

زحمتکش میهن ما در زیر فشار رنکسده و فغروسیم طبقا سی با کسرا جواب داده میشود. رژیم جمهوری اسلامی از این جنب "مبارانی" حمایت می کند (با ل گذشته هاشمی رفسنجانی اعتراف کرد که ۴۰ میلیون تومان برای کمک به "مسلمانان افغانستان" اختصاص یافته است) ما می‌کشیم در شرایطی که نیروهای انزالکروس روسی سوده‌های زحمتکش افغان را در زیر میباران مداوم قرار داده اند و طبقه مبارزین فدا میربا لیست و نیروهای انقلابی، بویژه کمونیستهای میهن ما که ما هیت نیروهای ارتجاعی و وابسته به میربا لیم را نیز که در یوش "اسلام" مبارزه سوده‌های زحمتکش افغان را در جهت تامین منافع خود و ربا با نشان به انحراف می کشاند، افشا کنند و با تمام قوا از نیروهای انقلابی راستین و کمونیستهای واقعی خلق افغانستان که در سادوش زحمتکش افغان بر علیه سوسال میربا لیستهای نجا و زکرو دولت سرسپرده "کارمل" و هم بر علیه میربا لیم با رنکرا آمریکا مبارزه می کنند، پشتیبانی نمایند. آنها از طریق همسنگی انقلابی خلقهای ایران و افغانستان است که میتوان نوطه‌های آمریبا لیم آمریکا و سوسال آمریبا لیم روس و نیروهای وابسته به آنها را که با طرا خنثی لاث منافع در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند، افشا کرد.

سوسال آمریبا لیم اسلحه می‌فروشد

سوسال آمریبا لیم شوروی در راه غارتگری های آمریبا لیستی و سرکوب خلقها احرا مالغ هنگفتی اسلحه به کشورهای ارتجاعی فروخته است. در طی یکماه اخیر شوروی طی یک قرارداد نظامی با دولت ارتجاعی هند مبلغ ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار اسلحه به این کشور فروخته است و علاوه بر هفته گذشته نیز شوروی ۳ میلیارد دلار اسلحه به رژیم ارتجاعی سوریه فروخته است. حتی روسیه و سوسال نیز با هم فروش تسلیحات شوروی به رژیمهای مدخلقی را، کمک های سرازانه وانتر - تا سوسال لیستی خوا هند خواند. حال آنکه حقیقت چیز دیگری است. سوسال آمریبا لیم شوروی اسلحه می - فروشنده و سرازانه اسلحه کی از منافع درآمد بسیار مهم شوروی می باشد. همان اقدامی که در دستور کار همه آمریبا لیستهای ما، فروش اسلحه به رژیمهای سدمردمی یکبار دیگر ما هیت سوسال آمریبا لیم شوروی را تا داده و یکبار دیگر به خلقهای ما آسورد که شوروی نه دوست خلقهای جهان، بلکه یکی از دشمنان خلقهای جهان بشمار می رود.

سرمایه دار

تنشه خونمان
ویرا نگر زندگی مان
در هر وقت و بی وقت
و سالهای سال
که می کشم رنج
که می کشم کار
کیست؟
زالوشی به بزرگی آژدها
غنوده در لجن زار ما لکیت خصوصی
لعیده با اطمینان

فرمانده:

در کاخ نخست وزیری
در ارتش
در ادارات کار
در دانشگاهها و بانکها
نشسته آسوده خاطر
بزرگسبهای پارلمان
☆☆☆
کیست او که می پروردش گهواره آمریکا؟
آنکه بشناسدش
و با خودش کند
گنجینه‌ای خوا هدیا فت در قلب تا ریخ
تا منشن: سوسال لیم
(رفیق خروشان - کارگر)

بحران کشورهای سرمایه داری اوج می‌گیرد

اقتصادی سختی برمی برد، بنحوی که نرخ بیکاری در این کشور ۲۷/۸٪ می باشد حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۲۷٪ بوده است. در آمریکا سور و گرانی بیش از پیش افزایش می یابد. بعنوان نمونه قیمت عمده فروشی در این کشور در سال جدید ۱۳/۴٪ بالا رفته است. عمق بحران اقتصادی در کشور بعدی است که با بدگفت رکود اقتصادی موجود مهم ترین رکود پس از بحران دهه ۱۹۳۰ می باشد. بدین ترتیب پرواضح است که آمریبا لیستهای برای سرنگ کردن با رابین بحران به دوش خلقهای تحت ستم با زهم غارتگری و تجاوزات آمریبا لیستی خود توسعه خواهد داد. ولی خلقها نیز نبردهای سهمگین طبقانی را با زهم توسعه داده و در راه ما بودی ارتجاع، سرمایه داری و آمریبا لیم بگیرا نه به پیش خواهند رفت.

بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داری اوج می گیرد، بنحوی که در سولیدنا با لیم ۲۴ کشور تا زمان همکاری اقتصادی توسعه در سال ۱۹۸۰ فقط ۱ درصد افزایش خواهد داشت و در سال آینده این میزان رشد نیز متزلزل کرده و رکود اقتصادی کامل خواهد شد. باید مطرح ساخت که در حال حاضر در اقتصاد کشورهای آمریبا لیستی غرب تورم به میزان ۱۲٪ میرسد که با توجه به تحلیل تولید، توسعه بیکاری و کم شدن قدرت خرید سوده‌های زحمتکش این میزان با زهم افزایش خواهد یافت. در این کشورها در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشته است که در ۱۹۸۸ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار خواهد رسید. روشن است که این امر جز فقر و فلاکت طبقه کارگرو سارتوده‌های زحمتکش معنای دیگری ندارد. در این میان آمریبا لیم آمریکا نیز در بحران

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

رادیوهای وابسته به امپریالیسم و جنبش خلق

رژیم جمهوری اسلامی، با تکیه بر طرفداران لیبرال و ضد انقلابی خود در درون کشور، مذبحانه میگوید. بنا بر این طریق "مخالفت" با رژیم، طرفداران سختیار، این سربرنده امپریالیسم را متکثر سازد. این رادیو-ارتجاعی با اعنای شخصیت های منفور رژیم جمهوری اسلامی نظیر قطب زاده سعی میکند برای خود وجهه کسب نماید.

تمام رادیوهای وابسته به می گویند که مبارزات ربه انقلابی بوده های زمینگن میهن ما را در جهت تامین منافع خود و رسیدن به اهداف قوم خود واریان امپریالیستی شان منحرف سازند. در شرایطی که با تئورسکین بر موطوعات حکمفرماست و نیروهای انقلابی بویژه کمونیست ها توسط رژیم در معرض تعقیب و سرکوب قرار گرفته اند، این مداخلات های مزدور و ارتجاعی با استفاده از امکانات مهیا شده از طرف امپریالیست ها تحت لوای "مخالفت" با رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق های میهن ما توطئه می کنند و با اصطلاح "تدبیر" یا تدبیران مردم برای یافتن جای یابی برای خود واریان نشان تلاش می کنند.

سردیدی نیست که آزادی خلق های میهن ما در مبارزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به وسیله این مزدوران امپریالیسم که به طر مضاف ضد خلقی خود به مخالفت با رژیم کمپرا سده تبدیل که از طریق مبارزه انقلابی بوده ها و خلق های قهرمان بر رهبری طبقه کارگر رزمیده ایران کسب خوا هشد. خلق های ما چهره خیره این دشمنان دبیرین خود را خوب می شناسند. خلق های قهرمان ما می دانند مداخلات های تئوری که از "عالمی تهرانی" معدوم، وزیر اطلاعات تفریب اما می و همکارانکانشه را هاری جلا "شهید" وید می سازند، هرگز نمی توانند دوست مردم باشند. اینان جلادان و مزدورانی هستند که به خاطر از دست دادن منافع گذشته خود با رژیم فعلی از در دشمنی در آمده اند و دشمنی این مزدوران با رژیم به سبب جوجه ما بهیت متفرقی و مردمی بندارند. بوده های انقلابی میهن ما با مبارزات بیگانه خود فساد های این خائنین را در گلویشان خفه خواهند نمود.

کارکاست نیست، هم جاق و هم ان شیرینی، هر دو را باید بکار گرفت.

ما دارا اینجا مقدمتا به جنگ قدرت در بالا و شیوه های متخذه از جانب هر یک از دو حریف قدرتمند کیم بردا ختم. در شما ره بعدا ختم را به چند مورد متخ و در عین حال بر حسته این جنگ قدرت و بحران در "بالا" توجه میکنیم و سپس وارد بحث ما بهیت این بحران و ریشه ها بش می شویم. دوریا با این مقاله نقطه نظرات خود را بپرا مون و طایف نیروهای کمونیستی در قبال تضادهای روز افزون درون رژیم را شمی دهیم.

ادامه دارد...

مدتی است که بر تعداد رادیوهای امپریالیستی - ارتجاعی که بران فارسی برتا می بخش میکنند افزوده شده است. علاوه بر رادیو "بی بی سی" - "آر. ا. سی." و "صدای آمریکا" که برای مردم میهن ما شناخته شده هستند، هوبت امپریالیستی و صهیونیستی دیگر رادیو ها، بهایگر هفتی است که گردانندگان آنها دنبال میکنند. این ارکانهای ارتجاعی با افزایش تراش - سنی بوده ها و با استفاده از جوهر کوب و فشار موحود و محدودیت امکانات سلسله نیروهای متفرقی و انقلابی سعی میکنند آرای کل آلوده های گرفته برای خود "تایکا" در مان مردم کسب کنند.

"رادیو عراق" تا فاصل از امای فرا در اد ملج بین با و دولت عراق برتا مداخلی بخش میگردا کسون نیز دنبال میروند. روابط فماین دولت کار خود را شروع کرده است و با حمل نامه های گوناگون به امای ما حکمی و سوا استفاده را با مبروهای انقلابی ایران، ضمن محدود کردن صف انقلاب و ضد انقلاب و با استفاده از جوهر راضی عمومی موجود در اجتماع برای مفاصوم و ارتجاعی خود تبلیغ میکند.

رادیو دیگری با نام "صدای ایران آزاد" دمیفا بر روی طول موج و فرکانس صدای آمریکا!! بخش می - سود که منبوان آراختگوی "طلعت ظلمان" قرار ی ایران با ممد. این رادیو ارتجاعی، صدای مزدوران و جلادانی است که از سرش تیرا انقلابی بوده ها قرار کرده و در کشور های امپریالیستی غربی به توطئه علیه خلق های ایران میسولند. این خائنین بخلی که در گذشته همپایان کردستان توسط فائومهای ارتش شاه را سرکوب "تحریک ظلمان" و "وطن فروان" قلمداد می کردند، امروز کلوی خود را با رومی کنند که خلقی کرد توسط با سداران (البته ارتش ارتش با خاطر استراک منافع با فرماندهان مزدور ارتشکاشی آن ضرفی می شود) بکسار می شوند. و مزدورانه برای ستمگرهای قهرمان اینک سماح رخصه و دم را "خود - مخاری" خلق کرد می رند!!

رادیو دیگری که توسط دارودسته خمینا خائنین اداره می شود "رادیو ایران" نام دارد. این رادیو نیز، با سوا استفاده از راضای روز افزون بوده ها از

مبارزه دهقانان علیه توطئه های مالک ده و کمیته های به اصطلاح "انقلاب"

ده "نظر آباد کوچک" در ۹ کیلومتری جنوب جاده کرچ - فیروز قرار دارد. دهقانان این ده از سابقه مبارزاتی چندین ساله بر خوردارند. بار اول در سال ۱۳۲۲، بهنگام تقسیم اراضی ده دهقانان، توسط مالک ده به نام "مهری" از ده بیرون رانده شدند. آنها با تحصن ۷۰ روزه خود در محل بخداری هنگر در خواستهای عادلانه خود بای سرمدن اما مغلی ارحله مسائل اصطلاحی بخش آنها نیکبنا میامد. با رد نکردن سال ۱۳۵۲ با انتخاب یک نفر نماینده خواستهای برخی خود را منعی بر تری دادن زمینها با این، از طریق شکایت و غیره دنبال کردند اما، دهقانان مبارز بازم نتوانستند به سر زمینهای خود بازگردند.

بگذار - تمام بهمن ماه ۵۷ مهری - مالک ده، از سر جسم دهقانان قرار کرد و دهقانان بر سر زمینهای خود شروع بکار وری نمودند. اما مالک ستمگر ده بعد از قرار، بارها با همدستی کمیته ها و سداران دهقانان را مورد آزار و اذیت قرار داده و حتی آنان را دستگیر کرده است. خانه بکار به همراه ۱۰ نفر سداران از طرف کمیته مرکزی و دبیر شور میگوید کتی، تصد دستگیری دهقانان را داشت اما دهقانان با مبارزه خود، این توطئه مالک و کمیته مرکزی را با شکست مواجه ساختند. با ردوم کمیته تروشن عده ای از دهقانان مبارز را دستگیر کرده و فرار آنها را به زندان قدیمی ساواک انتقال داد. اما این ماجرا با تحصن خانواده های دهقانان ده محل فرمانداری کرچ و آزادی دهقانان مبارز با این یافت. آخیرس باز سر ۲ نفر از دهقانان ده "نظر آباد کوچک" دبیر داسان کرچ توسط با سداران و با همدستی مالک ده دستگیر و کتفه بندی شدند که باز با تحصن خانواده های زندانیان در محل حبس وری، آزاد کردند. از آن پس با حالا توطئه های مالک با همدستی و زود سد با کمیته مرکزی، علیه دهقانان مبارز "نظر آباد" کماکان ادامه دارد و دهقانان سر برای خنثی کردن توطئه های آنان همچنان مبارزه میکنند خواهشهای آنان سرچ رس است:

- ۱ - واگذاری تمام زمینهای زراعی و آب کافسی بطریق فطی به دهقانان
- ۲ - دستگیری و محاکمه مهری مالک ستمگرده
- ۳ - عدم دخالت داسان کرچ، سواد سداران و دیگر مقامات در امور کشاورزی



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

تملق در رژیم جمهوری اسلامی و درسی از لبنان

تعلق در کشور ما تاریخی دراز دارد. از آن زمان عرشی، ای آنکه امیدهای مسلمانان جهان را بر—
که "شاعری" حیرت‌خوار در مدح قزل ارسلان می‌گفت: آوردی!"

نه گری فلک نهاد بدشهریای
تا بوسه پر رکاب قزل ارسلانزند (۱)
و دیگری میگفت:

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست
متکی نیست، او وکیل اول تهران است نه اعتبار
که ترک کنند سرا نگشت و صفحه بشمارند (!)

و تا زما نیکه در مدح غصه* ما دریا صا الدین شاه ، فردی
چا پلوی جون قاتنی قصیده ای با هفتاد بیت می سرود (!)
تا برسم بدوران سیا به پهلوی و بعد رژیم جمهوری اسلامی

تعلق، رباکاری و مداحی نمودی از فرهنگ منحط
جوامع طبقاتی است. در جوامع طبقاتی، طبقات استثمار-
گرو، استثمار برای حفظ و تثبیت موقعیت خود فرهنگ

خاص خود را رواج داده و توده‌ها را بدان آلوده می‌دارد، که از جمله می‌توان از تعلق و مداحی نام برد. در مناسبت فئودالی تعلق و مداحی در شکل بسیار آتکاری

رواج داشته است وجود شاعران مداح درباری، شویستگان و چاکرمنش و... که با «مغنیان تملق و چاپلوسی» بوده است حکایت از این امر دارد که تملق یکی از نهاد-

موضوعی که از این دوازدهم ویرم میتواند درسی بزرگ برای کمونیستها، نیروهای انقلابی و همه مردم آگاه باشد،

مثال دروا بطور رعیت و ارباب می توان از یکطرف تسلیم طلبی و تملق و از جانب دیگر تحکم و برخورد از بالا مشاهده کرد.

درجوع بورژوازی نیز متعلق وجود از دست می‌دهد در مقابل بهوشیده تر و طریقتی درجوع بورژوازی متعلق و جابلوسی حتی جزئی از مدیریت می‌باشد

و با توجه به همین مایه ها است که هرگز صحبتها ی
"بزرگان قوم" در نگهش پدیده تعلق نثری نباشد
است. این عبارت را که میگوید: "بزرگوار مداحان
و سوت: "لین، خصیصتی قبیلی است که در دیر با" به
موجودی اساطیری مدال نده". لین که در ضمن فرد پرینی
بود از ما ندهد. این سوسه که به عنوان سومقاله در

چاک بهی باشد از علی بن ابیطالب نقل می‌کند: ما چون
جامعه جامع‌ای طبقاتی است؛ چگونه می‌توان هر کس
نمی‌توانست است مقرر نمی‌باشد، و به همین دلیل
بودست به حتم آمد و حال آن بینها در سرودگه
تلمیم دفتریایی حزب کرد:

مداحان و درپوزگان دوره‌ها را امروز در لباسی

دزیری توان مسأله‌شده‌شد. معماران دینی جاری آن به - اصطلاح وکیل اول تهران کدوم‌داحی شاه‌نیرسواسق طولانی دارد، هم‌راهِ با هم‌قطار رانش به‌دیدن آیت‌الله

هیچ وجه در آینده به بد مقالاتی از این دست در اینترنت سیوا نال کوششمت بجا پ رسد.

۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰

کے لیے تو صرف آغا علی امین خاں اور ان کے ساتھیوں نے ہی نہیں بلکہ ان کے پیروں نے بھی اپنی جانیں قربان کر دیں۔ ان کے لیے تو صرف آغا علی امین خاں اور ان کے ساتھیوں نے ہی نہیں بلکہ ان کے پیروں نے بھی اپنی جانیں قربان کر دیں۔

وادیامیهد:

توای سلیمان زمان بر مسند حکومت بنشین. ای
داود، دیر قیامت کن. "و د، جا، دیرک. " (ا، نا، نین

(۱۱) این مطلب از کتاب جمعه شماره ۳۶ اخذ شده است.

این مقاله یکی از اسناد مداحی فخرالدین حجازی است که دردی ماه سال ۴۱ در جبهات از "انقلاب" سفیدکندی - ساه نوشتن است (این سند به همراه اسناد کوبای دیگری توسط گروهی از اهالی مسلمان مشهد - بیرو خط امام - انتشار یافته است).

۶

صاحبِ نیاز و مدبرِ مرسوم۔ عبدالحق محمد قاضی کل و خزانہ اوسگری

سال پنجم ۵شنبه بیست و هفتم دی ماه ۱۳۰۴ شماره ۲۱۰

اجتماعی و سیاسی شان را

بدھد

و آنها را که فکری سلیم و روحی پاک و مرمی و روشن و باقی‌ماندگار و حشاش‌ران‌ند، سرگسی‌نماندگی‌های دهنده و فکرت‌انبر و امور مردمان، بسوی پی‌روزی می‌کشاند؛ و بالاخره و آبار و ستایشان ماه‌چنان در زندان‌های تاریک‌اندامی می‌باشند و بعد از آیه و متعنت و زبان‌نماید و گوشت‌وار و متغی‌ارباب از افق‌اند و خود را

و آب و آتش بیستارند و عناصر
ذی و ذر سود جوید ابر روش خود
سوار گشت و آب آنها هم از نعمت
خود داد و نوشن و کس کمال
و خدا اوضاع جهان بر سر گیرند
و شخصیت و ارزش خویش را با واقع
و مانند و عتقیا بحال منافع
خویش و کمالی و غایت و مملکت
و در و بر و در و غایت و مملکت
و در و بر و در و غایت و مملکت

[illegible]

و کتابت کشیده بگذرد و راهی
سوی سادات روشن باز گردد این
حقیقی است مسلم و اجتناب ناپذیر
که با تو انامیسی طبیعی همکار و هم
آهنگه است و اگر روزی که
نبرد های آریستنی خواهند آمد
گردن را بر خلاف مسیر طبیعی اش
بسرک تو آوردند و بار بار با قدرتی
بیشتر بر همدار خود میگردانند و در آن
آب سرد راه خوشش بیاید در آن

می گوید: متأسفانه این حقیقت
روشن بر بسیاری از افراد دستخیز
کدو پوستی ضمیمه ازمایع خوش
فرورفته اند. اما متشود امت و اولی
لا محاله این پوست بخت هدر
زمان شکسته میشود و واقعت را
عزایان و مسلم ثنائی، به پیرو
گو نه قدری را در برابر این حقایق
مسلم هر چند برای گروهی تاج
و تاجوار باشد بر انوار در میاورد.
تاج کرم، تاج کرم، تاج کرم، تاج کرم

فخر الدین حجازی

آری مانه؟!

آیا کشاورزان شلاق خورده باید همچنان در تابه سوزان صبرا بکشدند و با دستهای استخوانی خود جوانهای مصروع را در آتشی از ارباب خالی کنند یا آنها هم صاحب آب و زمین شوند و مازان ناتوانشان برفع خود و خانواده‌شان بکازد.

آیا کارگران ونجبرها

پدر و لایزنده های ما شین
شافع سرمایه دار مظلومان
له شوند و نیروی انسانی
آنها خبر روز در برابر
چند سکه سیاه به درود
یا آنها نیز میتوانند در
منافع تولید خویش
سهم باشند! ص ۴

پادشاه و چنان کارخانه ها را
در اختیار خود بگیرد و هزینه
را و آن در برابر منافع مصر
باشد و بهای مملکت صدقه
این کارخانه ها را در برابر
آن مالکین بآنها بپردازد تا
آن ملاکان در اختیار آزارها
را بگیرد و هم گوش صاحبان

ت در شرقی تولیدهای صنعتی
مال شود صنعت و کشاورزی
نور نوامان "ترقی کنده" آبا
یکلهای ایران را که یکی از
بزرگ تولیدی منطقه سر-
زی و آبادانی کشور است
نیفت، تمام مردم مامملی دار
چنان بدست مالکین متجاوز
بیازنه و هر روز صدای ارنه و نیت
وب برآه و آثار عمرانی این
ملک را که در حال حاضر

مردم را ملی کنند و طبق اصول
تجارت جنگلداری بنفع خزانه
ملکت از آنها بهره گیرند
یا قانون انتخابات
مچنان بنفع زور مردان
صاحبان زور و زور
هارستان را از مثنی عناصر
و دجوی و خود پرست و
سواد و اشرافی پر کنند

بیدولتهای نادرست آواز و
خالت و انحراف دهد و
بارقورمی تازه راه را بر او
اهلان سد کند و به تیسر
... و فهمیم جاز
خالت در سر نوشت

لین (۴) درحدا محظ به ما کسم گورکی اورا
خاطر مومکیری هائی که در قتل روستگران سورنوا
شه مورد اتقا دفتر ارمیده، به جها رما میس آآ خیر
مه که اس راج ۱۵ سینا میر ۱۹۱۹ رادانت، گورکی
رمقاله ای به مدلسین پرداخت ورحمله اورا "مکو-
نوست اسان "خوادکه "جهان نامه" امروزه خودیده
نوست: "لین، بخشی بخشی است که درخا "سه
وجودی اساطیری مبدل شه". لین که دسمن فردپرستی
ورادما دده، این سوشه که بعنوان سرمالسه در
ماره ۲۲ امحله انترناسیونال کمونسیت به چاپ رسیده
دوست به ختم ادحوال می آل بهینا دایر یودکسه
دست دیت میاد خیر کرد.

به اعیان دفترسی ایضاً (این طرح را) پیشنهاد می‌کند:

دفترسی کمیته مرکزی حزب، انتشارات، مکتوبات، کورکی در شماره ۱۲، انترناسیونال کمونیست و بخصوص پریمال، از آنجا میدانند، این مقالات نه فقط حامل هیچ پیام کمونیستی نیست، بلکه دارای بسیاری نکات ضد کمونیستی نیز هست. به هیچ وجه در آنجا به هیچ بدعتی از این دست در انترناسیونال کمونیست جای ندارد.

لنہین
۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰



«پاکسازی» یا حمله وحشیانه
به صدها دستفروش زحمتکش
در کرج

روز بعد خواص او داده و دیگر بستان دستغروبها به
همراه آنها دست به راهیما می زدند. آنها بعد از
راهیما می درمحدی جمع شده و خواهی خود را مطرح
کردند. در اثرش را خواص او داده و خود دستغروبها
زخمکش، مقامات شهرداری و عده داد و بیدادها ۲۹
خود را مدعی برای کسب و کار آنها در نظر بگیرند.
مبارزات حق طلبانه دستغروبها زخمکش همچنان
ادامه دارد ■

مسئول مرتجع حزب جمهوری اسلامی میگوید : « ۲۰۰ نفر مدافع انقلاب شلوغ کرده اند ». روزنامه های مزدور رژیم همین سخن او را با وفاق درج میکنند . مردم معزوزده مسئول حزب جمهوری اسلامی را دستگیر و محاکمه می کنند و ابومی گوید : غلط کردم . شیوه تمام بزدلانی را یکبار می بیند که برای فرار از آتش حتماً انقلابی بوده ها با کار می گیرند . مردم کثرت کوی یا تجربه ۱۵ ماهه را بدست می آید که بر سر « دولت « اسلامی » برآمده ، نوظهور و سرکوب چیزی نیست آنها می گویند : « بر ما ما را زندگی کشور است ، ولی بر ما که دولت حمله و ترسور ، بر حسب زدن ، تفرقه و سرکوب کردن مردم است ، حلقه های ایران ! شما قاتل کنید ، ما بر جاده نشسته ایم تا فریاد حق طلبانه خود را به اطلاع شما برسانیم ». مسئولین محلی دولت بیروال همیشگی وعده می دهند ، روز شنبه ۱۰ خرداد « بهشتی » به شهر می آید . اما آیا می توان در مقابل انقلابی زحمتکاران فخرزده و مستعبدیده را هرگز داشت ؟

او بدون از بین بردن کاری از گویان می رود .

رفیق و ۲۷۱ ہدیہات رسید، متشکریم۔

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

درباره «بودجه» دولت بنی صدر (۲)

۲- منابع تأمین بودجه

در تمام اقتصادها منابع تأمین بودجه دولت به دو دسته تقسیم می شود: منابع داخلی و منابع خارجی. در مورد ایران، منابع داخلی شامل فروش نفت، مالیات و غیره و منابع خارجی شامل وام و تسهیلات بین المللی می باشد. در مورد بودجه دولت بنی صدر، باید گفت که این دولت به دلیل سیاست های توسعه طلبانه و برنامه های گسترده، به منابع داخلی و خارجی به شدت وابسته بود. در مورد منابع داخلی، باید گفت که دولت بنی صدر به دلیل سیاست های توسعه طلبانه، به فروش نفت به شدت وابسته بود. در مورد منابع خارجی، باید گفت که دولت بنی صدر به دلیل سیاست های توسعه طلبانه، به وام و تسهیلات بین المللی به شدت وابسته بود. در مورد بودجه دولت بنی صدر، باید گفت که این دولت به دلیل سیاست های توسعه طلبانه، به منابع داخلی و خارجی به شدت وابسته بود.

۳- کسر بودجه

کسر بودجه به وضعیتی گفته می شود که در آن هزینه های دولت بیشتر از درآمدهای آن باشد. در مورد ایران، کسر بودجه به دلیل سیاست های توسعه طلبانه و برنامه های گسترده، به شدت رایج بود. در مورد کسر بودجه دولت بنی صدر، باید گفت که این دولت به دلیل سیاست های توسعه طلبانه، به کسر بودجه به شدت وابسته بود. در مورد کسر بودجه دولت بنی صدر، باید گفت که این دولت به دلیل سیاست های توسعه طلبانه، به کسر بودجه به شدت وابسته بود.

آمریکایی بلوگه شده همچنان در بانکهای آمریکا -
لیستی ذخیره شده است. کسر بودجه دولت در سال ۱۳۵۵
مبلغ ۲۰۰ میلیارد تومان بود. در حالیکه در سال بعد یعنی ۱۳۵۶
این رقم به ۱۶۰۰ میلیارد تومان رسید. در سال ۱۳۵۸ کسر
بودجه دولت موجب ۴۲۷ میلیارد تومان در سال یعنی ۱۹/۶ در

۵- ترکیب اقلام بودجه

جدول ۱ ترکیب اقلام بودجه دولت بنی صدر را نشان
مدهد. در بودجه دولت بنی صدر برای امور نظامی
۱۳/۲۹٪ در نظر گرفته شده است. با اضافه کردن ۴/۹۴٪
سرمایه منقول، فقط نظام و امور داخلی کشور در نظر

- در زمان رژیم شاه، در حالیکه ایران میلیارد ها دلار حاصل از فروش نفت را در خارج از کشور در بانکها و موسسات
خارجی ایستاده بود، برای نجات آنها، دولت بنی صدر مجبور شد، خود برای تأمین کسر بودجه این راهبان بانکها را
بهره ای سنگین و وام دریافت میکرد.
- در ترکیب بودجه دولت بنی صدر، کفایت بودجه برای تأمین کسری بودجه بود. دولت فقط برای دستگاه های اجرایی محلی خود رقم
۱۸۰۷۴ درصد را، برای امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را در نظر گرفته است.
- دولت بنی صدر برای امور کشاورزی و عمران روستائی تنها ۸۶/۲۰ درصد اختصاص داده است. در حالیکه
برای امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را در نظر گرفته است.

گرفته شده است. دولت حداقل ۱۸/۲۳٪ را اختصاص به
هزینه های ارتش، سپاه پاسداران، کمیته ها، سازمانها
و نهادهای وابسته به آنها می داد. در حالیکه برای امور کشاورزی
و عمران تنها ۸۶/۲۰ درصد را اختصاص می داد. در حالیکه برای
امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را اختصاص می داد. در حالیکه
برای امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را اختصاص می داد.

رژیم در صدد عظیمی از درآمد ملی را به ارتش و زواری
آن اختصاص می داد. در حالیکه برای امور کشاورزی
و عمران تنها ۸۶/۲۰ درصد را اختصاص می داد. در حالیکه برای
امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را اختصاص می داد. در حالیکه
برای امور نظامی و امنیتی ۱۸۰۲۳ درصد را اختصاص می داد.

مذکور است که حتی آژانس های اطلاعاتی آمریکا
میراث لیستی و امروزی می شود. کسر بودجه فعلی دولت
بنی صدر ۱۶۰۰ میلیارد تومان است. در حالی که در سال
۱۳۵۵ تنها ۲۰۰ میلیارد تومان بود.

۴- رشد بوروکراسی

فلا کفایت بودجه در رابطه با افزایش قیمت نفت در
سال ۵۳ چگونه جمع فعلی است. بوروکراسی دولت
رو به فزونی گذاشت. مثلا در سال ۵۳ قبل از سال
۵۴، هزینه ادارات دولتی ۳۶۰ میلیارد
تومان بود. در سال ۵۴، بلافاصله این رقم به بیش از ۱۰۰
میلیارد تومان رسید. در سال ۵۴، رقم هزینه
دولتی به ۱۶۵۰ میلیارد تومان رسید. در سال ۵۵، رقم
هزینه دولتی به ۲۰۰۰ میلیارد تومان رسید. در بودجه دولت بنی صدر
رقم هزینه دولتی ۱۸۲۱ میلیارد تومان ذکر شده
است. بدون شک این رقم یک رقم واقعی
نیست زیرا با دولتی کردن بخش های خصوصی و
وابسته (ایران با سواحل، بانکها و...) و دستگاه های
نظامی و امنیتی و ادارات وابسته به آنها، رقم واقعی
به هزینه های دولتی افزوده شده است (بویژه در زمینه
پرداخت قرض بانکی دولتی شده به میراث لیستی
و افزایش جمعیت حقوق بگیران دولتی). هر چه نقش
دولت سرمایه داری ایران افزایش بیشتری در اقتصاد
پیدا می کند، حاکمیت انگلی و یوسیدگی سرمایه داری
وابسته بیشتر می شود. وجود دستگاه های عریض و
طویل بوروکراسی دولتی که در واقع عمدتاً ترکیبی
در امر تولید دارند، به معنای این است که بخش مهمی
از ثروت جامعه به عیب بوروکراسی های دولتی می رود.
این امر هر چه بیشتر بحران اقتصادی را افزایش می
دهد. موجودیت دولت سرمایه داری، خودکشی از
عوامل تورم زای جامعه می باشد.

ترکیب هزینه های دولتی بودجه بنی صدر بخوبی
نشانگر انگل مفتی دولت بورژوازی است. در این
بودجه بخش های ثابت در مقابل هزینه های
جاری (۱)، بیشتر از بخش جاری (هزینه های جاری حدود
(۱) - منظور از هزینه ثابت، سرمایه گذاری در امر تولید است.
در حالیکه هزینه جاری مربوط به دستمزدها و حقوق و... می باشد.

است. دولت یمنی مدیر برای ۲/۶۵٪ بودجه را در نظر گرفته است. مسئله یمن نیز همانطور که میدانیم از مشکلات زمینگمان در ترمایه داری وابسته ایران است. حتی همین سهم یمن هم به دریا من و سایرین میسر برای زمینگان بلکه صورت "وام" مصرف می شود. و از این جهت راجب نیز خارج نخواهد شد. نفت و عملگر در این سبب مدخلی را ما قبلاً در مقاله "ریشه های بحران یمن در ایران" شرح داده و گفته ایم که در شرایط عدم تجربه یمن، این امر هر چه بیشتر به افزایش تقاضای برای یمن و یا تسخیر به افزایش یمن می انجامد و این سبب است که دولت یمنی در ترکیب بودجه دولت یمنی در کارهای است در نظر بگیریم که در مقابل هزینه های یمنی، یمنی است. ۲۰ مورت و بیرونی وحشی صانع که ارقام کوچکی را نشان می دهد دولت فقط برای دستا خپای اجرائی محلی جود رقم ۱۸/۷۴ برای امور نظامی و امنیتی ۱۸/۲۳ را در نظر گرفته است که یمن می دهد در ترکیب با موروسی میان همان هزینه های "رانی" و "تولیدی" (که آنها هم در خدمت رفا و سودجویی طبقه سرما به دار ایران است) و هزینه های بوروکراسی، نظامی، منفرد و... وجود دارد. این با موروسی جدا رلحاظ ترکیب در کنار انسان سرما به در سرده های غیرسولدی وجه رلحاظ تخصیص منطقه ای آن در جهت عقب نگذاشتن اکثریت مناطق کشور در مقابل ردمراطی دربارهای مناطق با نگرانی عملگر در سرما به امیریا لیستی در کشور ما است که همچنان به حرکت خود ادامه میدهد. این مسئله عیار را با است و در باره "ما فوق سود" و در مقابل، تشدید فقر و یکنواختی ملیونیا مردم زمینگی.

★ ★ ★

نتیجه ای که بطور خلاصه از این بحث میتوان گرفت این است که بودجه دولت حاضر منتهی کننده آن محسوب میات عمومی است که در این طیفی کاملاً با سیستم سرما به داری وابسته می باشد. مشخصات اصلی اقتصاد سرما به داری وابسته ایران را در یک کلام با بحران عمیق و ریشه دار رلحاظ یکسویه میتوان توصیف کرد. این نظام از یکسوییت ما هیست سرما به داری آن دارای ساقا فانی است که هر نظام طبقاتی سرما به داری را از دوا رسی دیگر خصوصیت وابستگی آن به انحارات امیریا لیستی خپا نیی چنان است که تمام آن نقادانی را که سرما به داری را در بر دارد، دارا است. رژیم جمهوری اسلامی که وارت این نظام است بدلیل ما هیست طبقاتی خود میگوید که هر چه زود تر و با انحار فرم های این نظام را از بحران خارج سازد. ولی هروا ستنی توانستنی نیست. ما در این مق نشان دادیم که چگونه رژیم جدید (در امر بودجه نیز نظیر دیگر سرما به های اساسی از رژیم سابق را می بینیم). این رانیز با یستی اما فک کرد که بحران اقتصاد ایران امروز به مراتب رتد یافته است. رانیز با یستی آخر سلطنت است. اثرات حاصل از بحران اقتصادی از یکسویه بیشتر نقادان و دوده های زمینگی را با این نظام و با هیست ها که تشدید کرده، و آنها را به مبارزه اقتصادی - سیاسی میکشاند و از سوی دیگر موقعیت لززان هیست ها که را بیشتر تضعیف میکند. هیست ها که و بویژه خپا نیی که دم از رژیم می زنند، هروزی بیشتر به این مسئله معتقد می شوند که "فرم" دیگر فارغیت سرما به داری وابسته را نجات دهد. برای توده ها نیز چنین است. آنها نیز هر

روزی بیشتر به این مسئله می برند که این نظام "فرم" بر دار نیست. نتیجتاً بعنوان تنها آلترناتیوی که از عملکرد این دو وجه نقاد حاصل می شود این است که ما معما به سرعت سوی یک نرد فطعی ونهائی به پیش می رود. خصوصیات سیاسی - طبقاتی این نبرد را ما در مقاله "ما معما به کدام سوی رود" شرح داده ایم و خوانندگان را به آن مقاله رجوع می دهیم.

جدول ۱ - ترکیب اقلام بودجه دولت

ردیف	عنوان	درصد	ردیف	عنوان	درصد
۱	وضع فوائین	۰/۰۳	۱۱	آموزش و پرورش	۴/۹۰
۲	اداره امور عمومی کشور	۰/۱۳	۱۲	فرهنگ و هنر	۰/۲۹
۳	اجرای سیاست داخلی کشور	۱/۰۸	۱۳	بهداشت و درمان و بهداشت	۱/۸۸
۴	اداره امور قضائی و موقوفات	۰/۴۲	۱۴	ساختن رفاه اجتماعی	۲/۲۲
۵	حفظ نظم و امنیت داخلی کشور	۴/۹۴	۱۵	تربیت بدنی و ورزش	۰/۳۴
۶	اداره روابط خارجی	۰/۲۰	۱۶	عمران شهرها	۱/۰۶
۷	آمار و خدمات عمومی و قنی	۰/۱۸	۱۷	عمران و سوازی روساها	۰/۲۲
۸	اداره مورالائی	۰/۳۴	۱۸	مکس	۲/۶۵
۹	اطلاعات و ارتباطات جمعی	۰/۷۲	۱۹	حفاظت محیط زیست	۰/۰۹
۱۰	ساحتمان و سیاست دولتی	۱/۵۲	۲۰	عملیات جدید منظور و توسعه سواچی	۰/۰۲
	اداره امور نیروی کار	۰/۰۳			
۲۱	"دفاع" نظامی	۱۳/۲۸	۲۱	کسب و کار و عمران و روسانی	۲/۶۲
۲۲	"دفاع" غیرنظامی	۰/۰۱	۲۲	سوسه معایع آب کشور	۲/۹۹
۲۳			۲۳	سرو	۵/۰۹
۲۴			۲۴	صانع	۵/۲۹
۲۵			۲۵	نفس	۷/۱۲
۲۶			۲۶	کسار	۱/۱۳
۲۷			۲۷	معادن	۰/۸۸
۲۸			۲۸	بازرگانی	۲/۹۱
۲۹			۲۹	حمل و نقل و ارتباطات	۵/۱۳
۳۰			۳۰	بست و معاییرات	۰/۸۱
۳۱			۳۱	چپا نگریدی	۰/۱۰
۳۲			۳۲	هزینه های متفرقه	۴/۸۲
۳۳			۳۳	بهره و کار مزد و امها	۰/۹۹
۳۴			۳۴	بازپرداخت وامها و پرداخت دیون	۳/۰۱
۳۵			۳۵	سرما به گذاری در خارج کشور	۰/۳۵
۳۶			۳۶	جمع اعتبارات دستگاههای اجرائی محلی	۱۸/۷۴
۳۷			۳۷	جهاد سازندگی	۱/۲۳
۳۸			۳۸	جمع	۱۰۰
۳۹			۳۹	جمع	۱۰۰

بقیه از صفحه ۱۶
بازهم...
بکمر ارتجاع منطقه منجمده دست راستهای مسیحی، و نیز با حمایت وسیع رژیم جمهوری اسلامی ایران طی یکسال گذشته گسترش زیادی یافته و به صورت یکسایز موانع در راه پیشبرد آرمان فلسطین در آمده و درگیری های متعددی را با نیروهای انقلابی فلسطینی و لبنانی موجب شده است.

خبر زیر برگرفته از آژانس خبری سفارت فلسطین در تهران مورخه ۲۶ خرداد ۵۹ نقل میکنیم (۱) بعد از کویاست، فلسطینی ها برای اولین بار صریحاً "از برادران مسئول و رهبران انقلاب اسلامی ایران" درخواست میکنند که از نفوذ خود برای مل استفاده کرده مانع گسترش جنگ گردد.

"ساده عملیات مرکزی نیروهای انقلاب فلسطین صبح امروز این سیاست را اما در کرد:

جنش امل ساری عناصر مرکز ۲ لبنان (۲) و عناصری از نیروهای (دست راستی) فالانژست با استفاده از سلاحهای گوناگون سپاه وجودا خلاف با حزب بعث عراقی ساخته لبنان، دست به تهاجم وسیعی بر اردوگاه (فلسطینی) برج البراجنه زده است. آنچه رخ میدهد عواقب وخیم و خطرناکی را در بر دارد زیرا نیروهای جنش امل این تهاجم را علیه دفتر جنبش ملی لبنان آغاز کرده و دفتر را تصرف خود در آورده و افراد آن را بگروگان گرفته اند.

در حالیکه افراد یاد شده هیچگونه وابستگی به حزب بعث نداشتند این امر بریده از سادیک توطئه خطرناک را بر میدارد و مخصوصاً اینکه مرکز لبنان و نیروهای (دست راستی) خود را برای تحمیل جنگ تشدید بحران در لبنان همچنین کوبیدن مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان ادامه داده اند.

ما از برادران مسئول و رهبران انقلاب اسلامی ایران درخواست میکنیم که برای متوقف ساختن جنگ با جنبش امل تمام گرفته مانع گسترش این بحران خطرناک شده و مخصوصاً مانع آن شوند که نیروهای دشمن برای تیل به مقاصد خود از این جنبش سو استفاده نموده و بر اجزای اشل و مزدورانش در لبنان و سپرده های از این سبب آمده ها نخواهند بود. بهمان اردو - کاد (برج البراجنه) توسط نیروهای امل آنچنان تشدید و گسترش یابند که این اردوگاه از خانه های خود که بر اثر بمباران ویران شده قرار گرفته اند. و این جزئی از توطئه مقامات لبنان علیه موجودیت فلسطین و نیروهای مقاومت فلسطین است که برای اجرای این توطئه نیروهای جنبش امل را بکار گرفته است.

(۱) - ما آنجا که ما اطلاع داریم هیچک از روزنامه های رسمی و غیر رسمی ایران این خبر را نقل نکرده اند. چرا؟

(۲) - مرکز ۲ ارتش لبنان، یک موسسه پلیسی و تروریستی و فاشیستی است که سالیات به وسیله نیروهای دست راستی لبنان ایجاد شده و در خدمت آنان است با ویژگی ضد فلسطینی و ضد کمونیستی.

رفقای هوادار!
دوستان مبارز!
کمکهای مالی خود را از هر طریق
که میتوانید بدست ما برسانید.

کتابسوزان نشاندهنده وحشت ارتجاع از آگاهی است

ودانشجویان آگاه و انقلابی را کشتار کنند و به جوخه های اعدا میسازند؟... آری چنین است که آنها از آگاه شدن مردم وحشت دارند و با اینکه از تمام امکانات تبلیغی (رادیو، تلویزیون و انواع روزنامه ها و...) برخوردارند... با تمام قوا سعی دارند کوچکتر یا بزرگتر از وحشی و آگاهی را نیز سمدوسا بزنند.

کتاب را می شود سوزاند و حتی همراه آن انسانها را نیز (همانطور که در شورش سوزاندند)، لکن چنین جنایتی در مورد افکار و ایده های انقلابی کار ساز نیست. ایده های انقلابی از هر کجا که بخواهند خود را باز کرده و در پیوند با زمینکشان به چنان نیروی مادی بدل خواهند شد که چون سیل خروشان، عوامل ارتجاع و حافظان نظام متعفن سرمایه داری را از سر راه تاریخ خواهند روفت.

سحرگاه روز چهارشنبه ۵۹/۳/۲۱ سکن از عوام ملل ارتجاع کتا بغروشی آتش را در خیابان شهدای زنجان به آتش می کشند و آنگاه همچون خفاشان در تاریکی شب می گریزند. "با ران صد" در این راه علامت های منتشر کرده که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه می کنید: "از آنجا که با بهای حکومت ارتجاع بر آگاهانی و تهمت بوده ها استوار است، لذا (ارتجاع) چاره ای ندارد جز اینکه به اجتماعات نیروهای انقلابی حمله ببرد، مطبوعات مترقی را توقیف کند، جشن کتابسوزان برپا سازد و سپس سرمت ارتجاع با خود را بکوبی نماید... اگر مردم مبارز و ستم دیده مهملان آگاه شوند، سر کوب خلق گردد و کشتار زن و کودک آنرا مان چگونه امکان پذیر میشود؟ چگونه خواهند توانست آگاهان را در مکانی همچون قوم مغول به ویران تبدیل کنند

باز هم جنایت پاسداران در ایرانشهر

بدنبال این عمل وحشیانه عده ای از مردم مبارز ایرانشهر بعنوان اعتراض در تاریخ ۵۹/۳/۱۱ در فرمانداری متحمن میشوند. آنها خواستار روشن شدن علت کشتار روحا که عاملین آن بودند، پاسداران در مقابل این خواست مردم در فرمانداری با دفاع از جنایت خویش، منطق طبقاتی رژیم را آنکارا برسان می نمایند که: "ما هرگز را که دلمان بخواهد ترور می کنیم و احدی را با رای مقاومت و پایداری در مقابل ما نیست".

سراجهای مبارز و فریب مولویهای خود فروخته و ارتجاعیون محلی تحمن شکسته میشود. مردم مجددا در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ به فرمانداری مراجعه میکنند اما فرماندار با فریب و دروغ گوئی مردم را گول زده و تحت فشار آنها بدروغ اظهار میدارد که پاسداران عامل قتل دریا داشت بصر میبرند.

آخرین خبر رسیده حاکی است که روز ۵۹/۳/۲۵ دادستان برای رسیدگی به پرونده وارد ایرانشهر شده اما بدون روشن شدن قضیه آنها را ترک کرده است.

از پیش مسلم است که بررسی پرونده از طرف آنها کوششی است در جهت پرده پوشی جنایت پاسداران، نه روشن شدن حقایق. اما توده ها خود بهتر از هر کسی دیگر ماهیت ضد خلقی آنها را میشناسند و خواهان ختم آن روز در دادگاه خلق، در پیکار مردم همه جناحین است و اعمال ارتجاع به سزای اعمال جناحینکشان خواهد رسید.

(نقل با کمی تغییر از نشر بلوچ شماره های ۲۵ و ۲۶)

سپاه پاسداران این ابزار سرکوب هیئت حاکمه که همراه با ارتش ضد خلقی در کردستان خلق ستم دیده کرد را به خاک و خون میکشد و در ترکنم محاردا هفنان زمینکشان را به ریکا می بندد و هریران آنها را ترور میکند، در آنجا که ها دانشجوین رزمنده و انقلابی را بخون میکشد و فریادهای حق طلبانه کارگران بیکار را بوسیله ریکار مسلطیهای آمریکا شایخا موش میکند... روز دوشنبه ۵۹/۳/۲۹ در ۸۰ کیلومتری جناده ایرانشهر - خاش، "ایرا هیم قلندر زهی" زمینکشی دست فروش ایرانشهری را با کودک ۱۰ ساله اش که دانش آموز کلاس سوم دبستان بود، به ریکار رگلوله بستند و آنها را به خون خویش درغلنا نند. در ضمن در این واقعه کودک ۱۱ ساله دیگر این زمینکشی نیز شدت زخمی میشود. آری، همه این کشتارها و ترورها جواب هیئت حاکمه به زمینکشان است که رنج بیکاری، خطی، گرانی و دیگر بلایای سرمایه داری وابسته را بدوش می کشند.

پاسداران سرمایه بعد از کشتار جناحینکشان را به این زمینکشان، بدلیل ترانی و توجیه سازی میافندند و در جواب اعتراض مردم به این عمل وحشیانه آنها را "قاجاچی حردهای" معرفی میکنند و با یک دروغ "سلامتی" خود را با یک جلوه میدهند. اما واقعیت اینست که زمانیکه ایرا هیم قلندر زهی با دو فرزند کوچکش سوار بر موتور سیکلت در جاده مذکور حرکت میکردند، به آنان ایست داده میشود، اما قبل از آنکه به آنها فرصت توقف داده شود به ریکار رگلوله بسته میشوند.

باز سازی...

بقیه از صفحه ۱۶

رژیم میباید.

هیئت حاکمه که تا کنون علیرغم شدت دادن سرکوب و ترور انقلابیون و توده های مبارز با مواج کوبنده و گسترش یافته جنبش توده ای مواج شده و دریافت که تنها با بسیج دستها نتوانست تحریک شده و با نشان جماعت و مسلح نمی توانند جلوی مبارزات توده ها را بگیرند و نیاز به ترمیم و باز سازی تمام ارگانهای سرکوب خود دارد. از اینرو "سنة" جناحهای هیئت حاکمه بر سر تجدید ساختار این ارگانها و در راستای ارتش ضد خلقی وحدت نظردارند و پیامهای نوروزی آیت الله خمینی و بنیاد و روتا کید آنها بر این مسئله دلیل روشن این بنیاد می باشد.

بنیاد بر این نماینده چیره دست وزیرک و روزواری (سرمایه داری) که از همان ابتدای روی کار آمدنش دست به سرکوب خلق های تحت ستم و توده های زمینکشی زده و توجه ویژه ای به باز سازی ارتش ضد خلقی و آماده کردن آن برای سرکوب جنبش وسیع توده ای دارد. شرکت دادن همه جناحها در ارتش در سرکوب خلق کرد در جنسک کرده است. برخلاف شهرت و بومه که ارتش در سرکوب خلق کرد شرکت همه جناحها نیست (بدلیل تضادهای درونی ارتش و عدم انسجام آن و...) نیز خود نشان میدهند که بنیاد را با "به ارتش مجهز ضد خلقی برای سرکوب توده های مبارز و زمینکی است. سفرا خیرینی مدرسه ها به ریکا روپا زده و از یکا به نظامی "کنا رگ که طرح آن با اوچگیری جنبش و قیام مسلحانه توده های در سال ۵۷ تا تمام مانده بود نیز اقدام دیگری در همین جهت است. پایگاه هدایت ساختار "کنا رگ" که در نزدیکی بندر چابا قرار دارد، طرحی امیربالیستی بود که رژیم مزدور و نه برای حفظ و حراست آنها ی کرم خلیج و ایجاد امنیت برای امیربالیستهای غارتگر و درازا، آن آمریکا، آنرا اجرا میکرد و رژیم جمهوری اسلامی اکنون دست به تکمیل آن زده است.

در حالیکه در چند کیلومتری پایگاه "کنا رگ" مردم دستگیری از آب با رانی که سال بسال میباید جهت نیازهای خود استفاده میکنند، مردم بعضی آبادی ها و روستاهای اطراف حتی از همین آب باران نیز محرومند و زنهای مجبورند برای تامین آب مورد نیاز خود از چند کیلومتری منگهای آب را روی سر خود حمل کنند، رژیم جمهوری اسلامی میلیاردها تومان برای تهیه آتشماره دادن این طرح امیربالیستی نظامی پول خرج میکند. رژیم بیکاه نظامی "کنا رگ" را مثل سایر ارگانهای سرکوب خود تکمیل میکنند. در مقابل به سبب جنبش اوچگیرنده توده ها و سرکوب مبارزان بزرگ توده زده خلق ستم دیده بلوچ خود را بیش از پیش آماده کند.

علاوه بر این رژیم ضد خلقی حاکم که بر سرمایه داری وابسته به امیربالیزم تکیه زده است در اقدام حرکت خود را برای حراست داری از منافع امیربالیستهای غارتگر و خواهدا شدت به این لحاظ است که تکمیل جنبش بیکاهای عریض و طولی در آینده چندان دور در خدمت امیربالیستها درآمده و از منافع غارتگران آنها در خلیج حفاظت خواهد کرد.

(نقل به اختصار از نشر بلوچ شماره ۲۶ ارگان اتحاد زمینکشان بلوچستان)



سید محمد قلندر زهی که بوسیله پاسداران محروم شده است.



عکس جدا ایرا هیم قلندر زهی را نشان میدهد.



تکثیر و پخش «پیکار» وظیفه مبرم و مستمر کلیه هواداران است

رفقای هوادار!

هما نظور که اطلاع دارید و ما هم می‌کنیم، ارتجاع برای جلوگیری از آگاهی‌یافته‌ها روز بروز بر میزان فشار خود بر نیروهای انقلابی می‌افزاید و ارتجاع و اینست که سربازان جلوكبرى بعمل می‌آورد. آخرین اقدام در این رابطه «مجازات ۳ تا ۶ ماه زندان برای فروشندگان نشریات انقلابی نظیر «پیکار» است. با توجه به این اقدامات و مصادقاتی طبیعی است که ما در چاپ و انتشار نشریه پیکار دچار مشکلات جدی می‌شویم. در این رابطه فعلا ما در مورد لزوم تکثیر پیکار از طرف شما رفقا، سخن گفتیم و در اینجا نشریه دیگری را برای خاطرتان می‌نویسم: و بخصوص بر اهمیت تکثیر مقالاتی از پیکار بصورت جداگانه و پخش آن در میان توده‌ها تاکید می‌کنیم.

چرا که در شرایط عدم دسترسی توده‌ها به این نشریات می‌توان با تکثیر و پخش مقالاتی از پیکار، آگاهی‌های سیاسی را میان آنان برده و در ارتقاء آگاهی آنان قدم برداشت.

منتهی دیگری که باید با رفقای هوادار در میان گذاریم، **مشکل فروش** نشریه «پیکار» است. ارتجاع که فعلا «پیکار» را «توقیف» اعلام کرده است، اینست که ما بعد از سربازان انقلابی از فروش علنی آن سرزنش جلوكبرى می‌کند. شما برای فروش تعداد معینی از نشریه در حال حاضر یکی از وظایف مهم هر رفیق هواداری باید.

رفقای! ارتجاع می‌خواهد از جریان بافتن جوینا را حقیقت بمان مردم ستمدیده جلوكبرى خود را! ما او هرگز نخواهیم دید و است به روزی برسد چرا که بیست و دسان بسیاری وجود دارد که حاضر است راه جوینا را حتی اگر از سگلاخ‌ها بکنند بدوین همان دسان پر. توان شماست که همواره مددکار «پیکار» بوده است، و اینست که رفقا! باید عمل ارتجاع را نیاز به تلاش بیشتری است. برای فروش نشریه پیکار چه صورت علنی و چه بصورت مخفی سازمان‌دهی کنید، از امکاناتی که پیش می‌آید برای فروش علنی نشریه پیکار استفاده نشاید و... حداقل کاری که هر رفیق باید در این زمینه انجام دهد فروش ۱۰ نشریه پیکار در هفته و بطور دائمی می‌باشد. رفقا! تنها با انجام کوشش‌های شماست که ما خواهیم توانست بر محدودیت‌های که ارتجاع در رساندن پیکار به توده‌ها ایجاد کرده است، فائق آئیم!

پیروز باشید!

★ ★ ★

حمایت از مجاهدین خلق و وظیفه نیروهای انقلابی است

مسلمان متناقض (و البته بهین م. خ.) در روز دوشنبه ۱۹ خرداد ماه دهشید «با صریحی» مبارزه ۱۸ ساله با گلوله با سواران سرمایه‌درون خود غلبید و دهها نفر از هواداران مجاهدین دستگیر شدند. آخرین موج این حملات بوش سازمان یافته‌ها و با فتنه‌ها و بدست‌های پشتیبانی مسلحانه پاسداران به جمعیتی بود که برای اساماعین - رانی مسعودی روز ۲۲ خرداد در ماجده گرد آمده بودند. در این حمله و حشانه‌چندین تن شهید و صدها نفر زخمی شدند. ارتجاع و بویژه حزب جمهوری اسلامی از گسترش با پیکار توده‌ای نیروهای انقلابی و مترقی به وحشت افتاده است. لذا برای حفظ موقعیت متزلزل خود از هیچ جنایتی فروگذار نیست.

ما ضمن بزرگداشت یاد مجاهدین شهید، همواره با دیگر نیروهای انقلابی، حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام می‌کنیم.

در روزهای اخیر ما ده حمله و حشانه و همه‌جانبه با سواران وابستگان و جماعتداران حزب جمهوری اسلامی به مراکز و کمیته‌های سازمان مجاهدین خلق و هواداران آن بوده‌ایم. این حملات که بخشی از برنامهای سربوگرا به رژیم در جهت سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی و مترقی است اکنون با تعداد کثرت در شهران، به شهریه‌ها و تدهای از اعما و هواداران مجاهدین خلق انجامیده است. در روز هفتم خرداد بدستال حمله‌تداره‌شدن و با سواران به «انجمن جوانان مسلمان اردبیل» «مجاهد» «احد عزیزی» به شهادت رسید. در سها جماعتداران به انجمن جوانان

بازسازی طرح امپریالیستی پایگاه «کنارک»...

تحت اسم که با رسکین کرانی، پیکاری، فحشی و ستم ملی را بدوش میکشند، تاکنون مانع بزرگی بر سر راه حرکت هیئت خاکه‌بست با رازی سیستم وابسته به امپریا لیزم بوده و می‌باشد.

جناحهای مختلف درون هیئت خاکه‌بست به لحاظ درمان در درازمان برداشتن این مانع بزرگ یعنی سرکوب جنبش توده‌ای و نیروهای انقلابی دانسته‌اند. سیاست سرکوب و ترور و هفقا هیئت خاکه از جمله حمله مسلحانه به صفوف کارگران سکا در چندین نقطه حمله و حشانه با جوب و جفا و اسلحه‌ها و انگاهها، بمباران تردهان قهرمان نیز بخشی از همین سیاست

بقیه در صفحه ۱۵

بحرانهای رژیم جمهوری اسلامی هر روز در سطح گسترش می‌یابند و در عمق ریشه می‌دوانند. ریشه این بحرانها را باید در ذات کذبده سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریا لیزم جستجو نمود. سیستمی که با قیام مسلحانه توده‌های مبارز و رازی سربوگرا و ترور رژیم جمهوری اسلامی بر آن تکیه کرده و با تمام قوا در صدد بازسازی و ترمیم آنست.

هیئت خاکه با وحشت از روند و چکیده جنبش توده‌ای و برای حفظ وابستگی موقعیت خویش، با چار از بازسازی سیستم و نهادهای سرمایه‌داری وابسته است. ولی مبارزه طبقاتی جاری در طبقه حاکمه یعنی مبارزات و مطالبات طبقه کارگر و توده‌های زمینکش و خلقهای

بازهم درباره: سازمان دست راستی «امل» و پیوند رژیم ایران با آن

هیستند. حال برای سرکوب انقلاب فلسطین و جنبش مترقی لبنان به از ردگیری متوسل شده اند که عبارت از سازمان امل. این سازمان که متاع عار و ملاکین شیعه را نمایندگی میکند متکی بر گرایشهای فرقه‌گرایانه شیعه و ادعای حمایت و نمایندگی از این طایفه، توده‌های ستمدیده و ناآگاه شیعه را از دشمن اصلی که امپریا لیزم، صهیونیسم و ارتجاع لبنان (فئودالها و بورژواها) هستند منحرف کرده آنرا علیه فلسطینی‌ها و نیروهای مترقی لبنان بسیج می‌کند. فلسطینی‌ها با راهای اعلام کرده و ثابت نموده‌اند که خواستار اقامت دادرسان نیستند و هدفشان آزاد کردن فلسطین است ولی «امل» و انمود میکند که گویا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را بجای فلسطین بعنوان وطن خود برگزینند! سازمان امل

بقیه در صفحه ۱۲

دشمن‌های متعددی که در برابر سازمان دست راستی امل و جنبش انقلابی آن علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان مطالبی آورده ایم همچون روابط برخی از مقامات ایران منجمله چمران، طباطبایی، قطب‌زاده و کمکچای مالی و تسلط حاکم جمهوری اسلامی ایران به این سازمان و انقلابی را افتاء کرده ایم بویژه در آخرین روزهای افسندال گذشته تراکشی افتاء کرده‌ایم که سید جنت این سازمان ارتجاعی علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بود و حمایت ایران از این سازمان را نشان میداد منتظر کردیم که عکس العمل شدیدی را در بین فرصت طلبانی که برگرسی‌های قدرت در ایران تکیه زده و تبهره‌ها داشت، نیروهای ارتجاعی لبنان که هم‌زمانان امپریالیسم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست